

ایستادشهر

سال سی و ششم، شماره سوم
مرداد شهریور ۱۴۰۴
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب شناسی و
اطلاع رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۳

چو یا جهانش بخش | رسول جعفریان | سیدعلی میرافضلی | سیدرضا باقریان موحد | عبد الجبار رفاعی / محمد سوری
زهرا آقابابی خوزانی | سیدعلی کاشفی خوانساری | مهدی عسگری | حمیدرضا تمدن | امید حسینی نژاد | حیدر عیوضی
آریا طبیب زاده | رقیه فراهانی | میلاد بیگدلو | سید احمد رضا قائم مقامی | مجید جلیسه | علی راد
محمد شهسوار | عارف نوشاهی / شیوا امیرهدایی | مریم حسینی | علی نیک زاد | سیدعلی موسوی
غلامحسین خدري | علی ایمانی ایمنی | علی کاملی | فرهاد طاهری | سهیل یاری گل دژه | امید طبیب زاده | سید محمد عمادی حائری

مگر ز مضر به گنغان «بشیر» می آید | مقتل الحسین (ع) ابو حاتم، محمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴)

رباعیات شهر آشوب حسن دهلوی | معرفی نشریه اتاق آبی

از نگاه عربی: متفکران معاصر ایران و جهان عرب (۲) | از ازدواج تا طلاق: روی و پشت یک سند

روابط قصه گویان دینی و حاکمان سیاسی | امامزاده حضرت شاه زندو (ع)

محمد عابد الجابری و نقد عقلانیت عربی | خراسانیات (۶) | آینه های شکسته (۱۰)

یادداشت های لغوی و ادبی (۵) | اشعار تازه یاب از شاعران دوره قاجار با استناد به نشریات آن عصر

نویشتگان (۱۴) | یادداشت های شاهنامه (۸) | چاپ نوشت (۲۰) | از شیعه علی (ع) تا دین علی (ع)

طومار (۱۲) | قصص الأنبياء در میراث اسلامی | المستخلص

تحفة البرره مجدالدین بغدادی در آثار شمس الدین محمد الأطعانی | کتابخانه یعنی غنای زنده زاینده

نقد ترجمه فارسی مابعد الطبیعه ارسطو اثر شرف الدین خراسانی

مروری بر تخلفات گسترده در پژوهش | تحلیل روشمند ادعاهای انتحال در حوزه فلسفه اسلامی

نکته، حاشیه، یادداشت

پیوست آینه پژوهش: ♦ سلسله مباحث نظری در باب تاریخ ادبیات، براساس آرای رنه وِلک (۲)

♦ در میانه حکایت و تصحیف

امامزاده حضرت شاه‌زندو(ع)

مهدی عسگری

| ۱۵۳ - ۱۸۸ |

۱۵۳

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

چکیده: در این مقاله به روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از اسناد و نسخ خطی نویافته، همچنین تاریخ موثق شفاهی ضمن تحلیل و تطابق کتاب‌های منتشرشده درباره امامزاده حضرت سیدعقیف‌الدین شاه‌زندو (ع) در شهر بیرم لارستان، به معرفی و بررسی تاریخ وی و خاندانش اقدام شده است و کوشش شده با ارائه مطالب مهم درباره این شخصیت برجسته تاریخی - اسلامی در جنوب فارس و یکدست‌سازی متون تاریخی، نکات و مواردی تازه‌یاب نیز به مطلب اضافه گردد. شاه‌زندو در اول قرن پنجم قمری یعنی سال ۴۰۲ قمری به بخش بیرم لارستان فارس وارد شد و در سال ۴۳۲ قمری، طبق سنگ قبر پیشین و تذکره‌ای که از سیدعلی اکبر متخلص به صابر بیرمی، کلاتر بیرم در دوره قاجار به دست آمده، وفات یافته است. حاصل دوره سی ساله زندگی وی در جنوب ایران، اسلام آوردن مناطق مختلف لارستان و جنوب فارس تا بخش‌هایی از هرمزگان و بوشهر بوده است. مقبره و گنبد و بارگاه وی در مرکز شهر بیرم است. تذکره موجود بر اساس یک تذکره اصلی دیرین و دیوان اشعار شاه زین‌العباد بیرمی (شاعر قرن هشتم و نهم و از نوادگان شاه‌زندو که به شرح جنگ‌های شاه‌زندو می‌پردازد) نوشته شده است. بیشتر امامزادگان موجود در منطقه لارستان و بخش‌های جنوبی بوشهر و بخش‌های غربی هرمزگان، از اولاد، نوادگان و بستگان حضرت شاه‌زندو هستند.

کلیدواژه‌ها: بیرم لارستان، امامزاده سیدعقیف‌الدین شاه‌زندو (ع)، دارالاولیای لارستان، شاه زین‌العباد بیرمی.

The Shrine of Imāmzādi Ḥaḍrat Shāh-Zandū

Mahdi Asgari

Abstract: This article, based on library research and newly discovered manuscripts as well as reliable oral histories, introduces and examines the life and family of Imāmzādi Sayyid 'Afif al-Dīn Shāh-Zandū in the city of Bīram, Lārestān. By analyzing and comparing the published works on this figure, the study seeks both to present a consolidated account of his historical identity and to add new findings concerning this prominent Islamic personality of southern Fārs. According to extant records, Shāh-Zandū arrived in the Bīram district of Lārestān in the year 402/1011 and passed away in 432/1040, as confirmed by an earlier tombstone inscription and a *tadbkira* compiled by Sayyid Ali-Akbar, known by the pen-name Šāber Bīramī, the *kalāntar* of Bīram during the Qājār period. His thirty-year presence in southern Iran resulted in the Islamization of wide areas of Lārestān and southern Fārs, extending as far as parts of Hormozgan and Bushehr. His mausoleum and domed shrine stand in the center of Bīram. The extant *tadbkira*, derived from an earlier primary source and the *Divān* of Shāh Zayn al-'Ibād Bīramī (a poet of the 8th–9th/14th–15th centuries and descendant of Shāh-Zandū, who described his battles), provides additional details on his legacy. The surviving shrines of the region—including those in Lārestān, southern Būshehr, and western Hormozgan—are, for the most part, connected to the offspring and relatives of Ḥaḍrat Shāh-Zandū.

Keywords: Bīram Lārestān; Imāmzādi Sayyid 'Afif al-Dīn Shāh-Zandū; Dār al-Awliyā' Lārestān; Shāh Zayn al-'Ibād Bīramī.

مقدمه

در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از اسناد و نسخ خطی نویافته و نیز تاریخ موثق شفاهی همراه با مرور، بررسی و مطابقت کتاب‌ها و مقالات منتشرشده درباره امامزاده حضرت سید عقیف‌الدین شاه‌زندو (ع) در شهر بیرم لارستان فارس تدوین یافته، به معرفی و جمع‌بندی تاریخ وی و خاندان ایشان اقدام شده است. نویسنده کوشیده است با تحلیل تاریخ، تطابق مکتوبات و ارائه مطالب مهم درباره این شخصیت برجسته تاریخی - اسلامی در جنوب فارس و یکدست‌سازی زندگی‌نامه و متون تاریخی مرتبط با آن حضرت، نکات و مواردی تازه‌یاب نیز به مخاطب و پژوهشگر ارائه دهد.

پیشینه پژوهش

تا کنون در چند کتاب از جمله بیرم دارالاولیای لارستان (وثوقی، ۱۳۷۵)، بیرم در گستره تاریخ (خادم و کریمی، ۱۳۸۶)، تذکره حضرت شاه‌زندو (خادم و دیگران، ۱۳۹۰)، تصحیح نسخه خطی روح‌الله (پیرک، ۱۳۹۷: ۲۱) و سفینه روح‌الله: مجموعه اشعار شاه‌زین‌العباد بیرمی (وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵) که همه آنها بر اساس تذکره شاه‌زندو نوشته سیدعلی اکبر بیرمی و دیوان اشعار شاه‌زین‌العباد بیرمی (که به شرح جنگ‌های شاه‌زندو پرداخته) تدوین یافته‌اند، درباره امامزاده شاه‌زندو (ع) پژوهش‌های مختلفی انجام گرفته است که در این مقاله، ضمن مرور و تحلیل کلی آن آثار و بیان نکات مهم آنها درباره حضرت شاه‌زندو، کوشش می‌شود مطالب با هم مطابقت داده شود و ضمن رفع اشکالات و کاستی‌ها تا رسیدن به یک متن واحد برای مرجع تاریخ، نکاتی نو و منتشرنشده نیز ارائه گردد.

۱. معرفی امامزاده شاه‌زندو (ع)

سیدعلی اکبر معروف به سیدعقیف‌الدین ملقب به شاه‌زندو، امامزاده‌ای است که آرامگاه و گنبد و بارگاه وی در مرکز بخش بیرم در شمال میان‌محله و جنوب و شرق محله سادات قرار دارد. بیرم، شهری کهن در جنوب استان فارس معروف به دارالاولیای لارستان است. امامزاده سیدعقیف‌الدین شاه‌زندو (ع) معروف‌ترین نام در تاریخ بیرم است. بیرم را بیخه احشام نیز نامیده‌اند. «بیخه، صحرای درازی را گویند که در میانه دو کوه افتاده باشد» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۵۱۷).

در کتاب تاریخ مفصل لارستان به نقل از سفرنامه ژاک دومورینی فرانسوی (۱۹۱۱ م/ ۱۳۲۹ ق) آمده است: «بلوک بیخه احشام: این بلوک ۳۶ کیلومتر طول و ۹ کیلومتر عرض دارد. در مغرب لار قرار گرفته است. محصول آن توتون می‌باشد. مرکز این بلوک، بیرم است. ۱۰ قریه به نام‌های احشام غایب، چهارطاق، چاه‌برده (چاهورز)، خرکو (خیرگو)، ده‌نو، شیخام (شیخ عامر)، شیرینو (شیرینو)، کاتاک (کتک)، تالی و لارستان (لاورستان) است» (وثوقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۸۹).

در فارسنامه ناصری التفاتی مخصوص به بخش بیرم و بزرگان آن شده است؛ همچنین دربارهٔ بیخه احشام در آن آمده است: «ناحیه بیخه احشام: این ناحیه در جانب مغربی شهر لار است. درازی آن از قریه بیرم تا ملایی شش فرسخ، پهنای آن از فرسخ و نیم نگذرد. کشت این ناحیه مانند باقی نواحی لارستان، دیمی است و تنباکو را از آب گاوچاه به عمل آورند و مرغ کبک‌انجیر در صحرای این ناحیه فراوان است. و قصبه آن بیرم است. نزدیک بیست فرسخ از شهر لار دور است و عالم ماهرو، فاضل شاعر، ملا محمد باقر صحبت در این قریه متولد گشته است. و این ناحیه مشتمل است بر یازده قریه آباد شامل احشام قائد: سه فرسخ، میانه شمال و مغرب بیرم است. بیرم: همان قصبه ناحیه بیخه احشام است. چهارطاق: چهار فرسخ و نیم، میانه شمال و مغرب بیرم است. چاه‌برد [چاهورز]: فرسخی کمتر، مغربی بیرم است. خرکو [خیرگو]: پنج فرسخ، میانه شمال و مغرب بیرم است. ده‌نو: فرسخی میانه شمال و مغرب بیرم است. شیخ‌عامر: دو فرسخ کمتر، میانه شمال و مغرب بیرم است. شیرینو: سه فرسخ و نیم، میانه شمال و مغرب بیرم است. کتک: چهار فرسخ، میانه شمال و مغرب بیرم است. لاورستان: به مسافت کمی، مغربی بیرم است. ملایی: شش فرسخ، میانه شمال و مغرب بیرم است» (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۵۱۷).

درباره احشام قائد و خاندان قانیدی در تذکره حضرت شاه‌زندو (ع) (که در ادامه، درباره آن توضیح داده می‌شود) آمده است: «پس از تسخیر آن قلعه [قلعه دبان] و اضمحلال مردم آن قلعه و آن محل، مدت‌ها آبادی به هم نرسانید تا اینکه تخمیناً در صد و پنجاه سال^۱ یا دویست سال قبل از این، جد این حضرات که به لقب قائد ملقب بوده به واسطه دشمنی مابین خود از دشتی و دشتستان با تابعان خود به طرف بیخ فالات آمد. چون صاحب دواب و مواش (چهارپایان) بسیار بود، بادیه‌گزین و صحرانشین گردید و مانند بادیه‌نشینان، چادرنشینی اختیار کرد. سپس

۱. املاي درست عدد ۱۰۰ طبق شیوه‌نامه جدید فرهنگستان زبان و علوم، سده است نه صد؛ همان‌گونه که سده را با سین می‌نویسند نه صاد! اما در این مقاله با توجه به نقل قول از نسخ دیرین و برای اینکه مخاطب دچار اشتباه نگردد، با همان املا و رسم‌الخط قدیم نوشته شده است.

قدری از اراضی احشام را خریده و قدری به عنوان ممارست برداشته، در آن دهی بنا کرده‌اند که این زمان به ده‌کهنه مشهور است و بعد از آن طبقات دیگر دهی که به احشام قانندی مشهور است بنا کردند. توابعات دیگر هم دارد؛ از قبیل شیرینو و کتک و فاضلی و دهنو و این سلسله که به قانند مشهور است، مردمانی سخی الطبع می‌باشند؛ به میهمان‌داری و ضیافت خیلی الفت داشته، بلکه در اطعام مهمان، اسراف و افراط می‌نمایند و سادات عالی درجات بیرم همیشه از این طایفه، مزاجت اختیار کرده‌اند» (خادم و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۴ - ۱۰۵).

گنبد امامزاده شاه‌زندو (ع) از نوع گنبد رک مخروطی چندوجهی به رنگ آبی آسمانی یا فیروزه‌ای است. گنبدی که معمولاً روی پایه‌ای به شکل استوانه یا در برخی موارد منشوری قرار می‌گیرد و بخش اصلی آن نیز هرمی یا مخروطی است، به گنبد رک معروف است و کاربری آن برای مقبره پادشاهان و بزرگان است. معروف‌ترین این نوع سازه، گنبد قابوس در شهری به همین نام (گنبد کاووس) است که آرامگاه شمس‌المعالی قابوس بن وشمگیر آل‌زیار است. «آرامگاه حضرت شاه‌زندو از سنگ و گچ توسط حاج علی بنا در ۴۰۰ سال پیش ساخته شده است» (خادم و کریمی، ۱۳۸۶: ۵۹).

۱۵۷

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴



تصویر ۱. امامزاده شاه‌زندو (ع) بیرم و مسجد محمد رسول‌الله (ص)

صحن امامزاده که در قسمت شمالی حرم است، محل تدفین سادات قدیم بیرم از جمله حاج سیدعلی تاجر و فرزندان سید اسماعیل و سید فرج‌الله وکیل‌الرعا یا است. این زیارتگاه دارای دو درب ورودی است که یکی در قسمت شمال (گه‌دم) و دیگری در قسمت شرق (کوش) صحن

امامزاده قرار دارد (تصویر شماره ۱).^۱ در گویش معروف به بیخه‌ای مربوط به بیخه احشام، جهات جغرافیایی شامل گَهدُم (شمال)، قبله (جنوب)، کوش (شرق) و شَمال (غرب) است که باید دقت شود در متون، شمال (با فتحه شین) به معنی غرب با جهت شمال جغرافیایی (با ضمه شین) اشتباه گرفته نشود. در قدیم از کلمه «قطبی» نیز برای جهت شمال (گهدم) استفاده می‌شده که اشاره به ستاره قطبی داشته است.

در شرق حرم در دهه‌های اخیر، مسجد محمد رسول‌الله (ص) ساخته شده که در آن نماز جمعه و مراسم مذهبی و مناسبتی برگزار می‌گردد. در جنب آن نیز مسجد کهن شاه‌زندو معروف به مسجد شاه قرار دارد که به تازگی بازسازی شده است.

شاهی که زنده است هر آن، شاه‌زندو است	شعری که شاعر است در آن، شاه‌زندو است
سروی که سربلند و جوان، شاه‌زندو است	رودی که جاری است در اندیشه بهار
فیروزه نگین زمان، شاه‌زندو است	انگشتی که تکه خورشید بر زمین
مجموعه بدیع و بیان، شاه‌زندو است	دیباچه بلیغ کتاب وزین نور
سبزآبی بهشت‌نشان، شاه‌زندو است	تاریخ ما اگرچه پُر از آتش است و خون
یاس امید در ضربان، شاه‌زندو است	نیلوفری میان کویر طلسم و یأس
خاکش تنی ست پاک و روان، شاه‌زندو است	بیرم اگر که فرض کنی آدمی شریف
تاج سر سپیددلان، شاه‌زندو است	مانند یک کلاه کبود است گنبدش
خان کلیددارِ جنان، شاه‌زندو است	دروازه ورود به تاریخ اولیاء
میراث خط و مهر گران، شاه‌زندو است	تعظیم، واجب است به درگاه حضرتش
پیوسته بر سر همگان، شاه‌زندو است ^۲	دست امامزاده چشم و چراغ شهر

در پایگاه مجازی تابناک به تاریخ ۳۰ فروردین ۱۴۰۰ طی یک گزارش درباره امامزاده شاه‌زندو (ع) نوشته شده است: «ورودی امامزاده از ضلع شمالی است و حیاط مصفای امامزاده دارای یک

۱۵۸

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۱. با سپاس از جناب آقای عبدالله آبراس که عکس‌های باکیفیت و مختلفی از حرم حضرت شاه‌زندو (ع) در اختیار نگارنده قرار دادند.
۲. بخشی از قصیده‌ای از نگارنده در وصف امامزاده حضرت شاه‌زندو (ع) بیرم؛ به منظور نوآوری در مقالات علمی و بهره‌وری از دیگر ابعاد قلم، نگارنده در مقاله‌های علمی و تاریخی- ادبی خویش می‌کوشد با شعر و طرح‌های هنری ضمن تلطیف فضای رسمی موجود در مقالات پژوهشی، هنر را نیز در خدمت دانش و آموزش قرار دهد. امید است با حمایت مجلات و ناشران مقالات علمی از این سبک نو، این سبک فراگیر گردد.

حوض در وسط و رواق‌هایی در اطراف است. این امامزاده در ۲۵ آبان سال ۸۴ به شماره ۱۳۷۵۲ به ثبت آثار ملی رسیده است. گنبد مخروطی فیروزه‌ای از ویژگی‌های منحصر به فرد و چشم‌نواز این زیارتگاه است (تصویر شماره ۲).

برای حضرت شاه‌زندو (ع) – آبی بیکران!
گامت حَرَمی در آسمانی آبی‌ست
بامت هِرَمی که سایبانی آبی‌ست
نامت عِلَمی همیشه چون آتش سرخ
مامت قَسَمی که بیکرانی آبی‌ست
«زندو به معنی آتش سرخ است»



تصویر ۲. گنبد مخروطی فیروزه‌ای امامزاده شاه‌زندو بیرم

همچنین در شیراز مجتمع فرهنگی - مذهبی شاه‌زندو دایر شده است (تصویر شماره ۳).



تصویر ۳. تأسیس مجتمع فرهنگی - مذهبی شاه‌زندو در شیراز

۱۶۰

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

۲. حضرت شاه‌زندو (ع) در آثار مکتوب قدیم

امامزاده شاه‌زندو فقط در یکی از آثار قدیم حضور دارد و در بقیه دایرةالمعارف‌ها و تذکره‌ها شاه زین‌العباد بیرمی (که در ادامه معرفی می‌شود) با نام شاه‌زندو خوانده شده که این موضوع نیز در کنار زندگی‌نامه حضرت شاه‌زندو در مقاله حاضر، بررسی و تصحیح خواهد شد. درباره امامزاده شاه‌زندو بیرم مطلبی جالب در طرائق‌الحقایق از معصوم‌علی شاه نایب‌الصدر نوشته شده که تاکنون در تاریخ منطقه، ذکری از آن نشده است: «برای این بقعه مبارکه [حضرت شاه‌چراغ (ع)] از جانب دولت مبلغ دوازده تومان به انضمام رسوم مقرر است و در بیرم فارس که جزء بلوکات گرمسیر است، امامزاده‌ای به نام شاه علی اکبر [منظور سیدعفیف‌الدین شاه‌زندو (ع) است] که برادر شاه‌چراغ نسبت می‌دهند و مبلغ دویست تومان و نیم به اسم آن جناب در کتابچه فارس می‌نویسند» (معصوم‌علی شاه نایب‌الصدر، ۱۳۸۳: ۴۸۲).

این مطلب، نکاتی را روشن می‌کند که بسیار اهمیت دارد؛ یکی اینکه در شهرت و مقبولیت و اصالت، شاه‌زندو دومین امامزادهٔ فارس قدیم (شامل فارس، بوشهر، کهکیلویه و بخشی از هرمزگان) بوده و بسیار هم معروف بوده است که حتی او را از برادرزادگان شاه‌چراغ می‌خوانده‌اند که می‌تواند در شناخت شجره‌نامهٔ صحیح آن حضرت، شاخص و راهنما باشد. دوم اینکه مبلغی که گفته شده احتمالاً به صورت سالانه برای امامزاده شاه‌زندو در نظر گرفته شده بوده و علت تفاوت زیاد آن با رقمی که برای حرم شاه‌چراغ پرداخت می‌شده، می‌تواند این باشد که بسیاری از مخارج حرم شاه‌چراغ توسط نذورات مردمی تأمین می‌شد که این مورد برای امامزاده شاه‌زندو بسیار کمتر بوده است. سوم اینکه آن‌قدر شاه‌زندو مقام و اعتبار داشت که حکومت قاجار در زمانی که چندان توجه مالی به امامزادگان و اماکن مذهبی برای بازسازی و نگهداری آنها نداشت، مبلغی قابل توجه برای تولیت امامزاده‌ای در یک آبادی دورافتاده در آن روزگار اختصاص داده بوده است.

در روزنامهٔ «وظیفه» نیز دربارهٔ امامزاده شاه‌زندو (ع) احتمالاً به قلم آقای یگانه از لاری یک نامه به تاریخ ۱۳۴۰/۱۲/۲۶ به همراه عکسی از بارگاه ایشان آمده است: «نام این امامزاده، علی و از نوادهٔ موسی بن جعفر است و جد سادات بخش لارستان می‌باشد و خانواده‌های حجازی و شاه‌عبادی از اعقاب او هستند» (روزنامهٔ وظیفه، ۱۳۴۱: ۱) و دربارهٔ عکس نیز توضیح داده شده است: «حضرت مستطاب آقای سیدمحمدباقر حجازی دام توفیق؛ پس از تقدیم تحیت و سلام، معجلاً تصدیق می‌دهد عکسی که از لحاظ مبارک می‌گذارند، آستانهٔ حضرت شاه‌زندو می‌باشد که فقید معظم آیت‌الله آقای حاجی سید مصطفی رحمت‌الله علیه، پدر بزرگوار درخواست کرده بودند. چون در این تاریکستان وسیلهٔ عکس‌برداری آن وقت نبود تأخیر شد و چند روز قبل آقای سیدحبیب‌الله زندوی^۱ توانستند امتثال فرمان آن مرحوم نموده و تقدیم نمایم [...]» (همان: ۴).

۱-۲. معرفی شاه‌زین‌العباد بیرمی

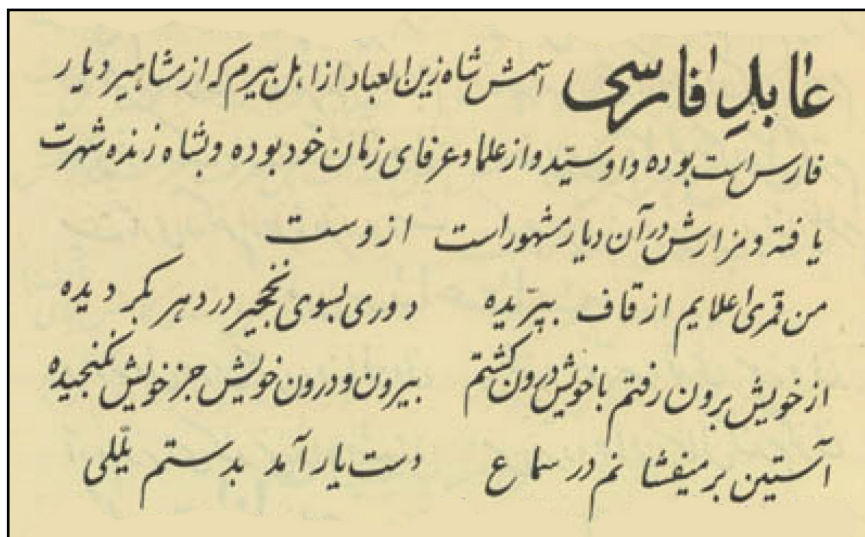
دربارهٔ شاه‌زین‌العباد بیرمی در مجمع الفصحا آمده است: «نامش شاه‌زین‌العباد و معروف به شاه‌زنده است. اشعار به طریق عرفا بسیار دارد» (رضاقلی خان هدایت، ۱۳۸۲: ۱۲۴۳). در تذکرهٔ

۱. سیدحبیب‌الله زندوی فرزند سیدمحمد ساکن قلعهٔ بیرم (در جنب امامزاده) در آن زمان کدخدای بیرم بوده‌اند؛ این نامه به همراه عکسی از گنبد و ایوان امامزاده شاه‌زندو (ع) به دفتر روزنامه ارسال شده است.

ریاض العارفین نیز نوشته شده است: «نامش شاه زین العباد بیرمی و بیرم از ولایات لار است و لار از مشاهیر دیار فارس. سید از علما و عرفای زمان خود بوده و به شاه‌زنده شهرت نموده. کرامات از وی نقل کرده‌اند. مزارش در آن دیار در کمال اشتهاست. در حسب و نسب آن جناب تذکره نوشته‌اند. دیوانی نیز دارد. زیاده بر این از حالش معلوم نگردیده است» (همان، ۱۳۴۴: ۱۳۲).

شاه زین العباد در الذریعه نیز این‌گونه معرفی شده است: «شماره ۴۶۵۵: دیوان عابد بیرمی اوشعره، هولاری اسمیه زین العابدین المعروف بشاه‌زنده له أشعار کثیره عرفانیه کذا وصفه فی (مع - ج ۱ ص ۳۳۹) وأورد مطلع غزله بقافیه یللی» (آقابزرگ الطهرانی، ۱۴۰۳: ۳۲۶). در مصنفات شیعه هم آمده است: «دیوان عابد بیرمی (یا شعر او: فارسی، از زین العابدین عابد بیرمی لاری معروف به شاه‌زنده» (همان، ۱۳۷۳: ۳۵۳).

در تذکره مرآت الفصاحه درباره‌ی وی نوشته شده است: «عابد فارسی: اسمش شاه زین العباد از اهل بیرم که از مشاهیر دیار فارس است بوده و او سید و از علما و عرفای زمان خود بوده و بشاه‌زنده شهرت یافته و مزارش در آن دیار مشهور است» (شیخ مفید شیرازی، ۱۳۴۷: ۹۹) و در ادامه متن نیز چند بیت از شاه زین العباد آورده شده است (تصویر شماره ۴).



تصویر ۴. معرفی شاه زین العباد بیرمی در مرآت الفصاحه

در ایضاح المکنون ذیل دیوان عابد نوشته شده است: «فارسی، هو زین العباد البیرمی اللاری» (بغدادی، ۱۹۳۸: ۵۱۵)؛ همچنین در جلد سوم دانشمندان و سخن‌سرایان فارس درباره‌ی وی آمده است: «عابد بیرمی: سید عابد شاه زندان بیرمی است. هدایت در جلد اول ریاض العارفین نام او را شاه زین‌العباد مشهور به شاه زنده ضبط کرده است. به هر حال از عرفا و مرتاضین عهد خود بوده و از او کراماتی نقل کرده‌اند [...] سال فوتش معلوم نشد» (رکن‌زاده (آدمیت)، ۱۳۳۹: ۵۳۷ و ۵۶۳).

محققان محلی نیز در معرفی شاه زین‌العباد می‌نویسند: «از بیرم علما و شعرایی [است] مانند شاه زندان که مقبره‌اش در آن نواحی به سید قتال هم معروف است و بقعه و بارگاهی دارد. و نیز صحبت لاری که دیوان او معروف است، پدرش از این قریه می‌باشد. چون شاه زندان مدتی در زندان ظالمین بوده، از این جهت به شاه زندان معروف گشته است و او از زمره عرفا به شمار می‌رود. شاه زندان دیوانی به فارسی دارد و قبه و بارگاه عالی و عمارات وسیع در آن ناحیه دارد و مردم بیرم و آن نواحی عقیده به او دارند و به زیارت مقبره او می‌روند» (مورخ لاری، ۱۳۷۱: ۸۶-۸۷). «سید عابدشاه در تذکره ریاض العارفین با نام شاه زین‌العباد مشهور به شاه زنده ضبط شده و نیز در رساله منتشرشده در مجله فرهنگ ایران زمین^۱ از خواجه زین‌العباد نام برده شده که دور نیست مقصود همین سید عابدشاه باشد. وی از علما و عرفاست که کراماتی به او نسبت می‌دهند؛ در قریه بیرم مدفون است [...]» (اقتداری، ۱۳۳۴: ۱۸۶-۱۸۷).

همان‌گونه که در مراجع و متون پیش‌گفته ملاحظه می‌شود، شاه زین‌العباد در نوشتارهای قدیم (پیش از بررسی تذکره شاه‌زندو در بیرم) با نام عابدشاه و مشهور به شاه زنده یا شاه زندان معرفی شده و گفته شده آرامگاه او در بیرم است که منظورشان حرم حضرت شاه‌زندو (ع) در بیرم بوده است؛ درحالی‌که براساس تذکره حضرت شاه‌زندو (ع) و دیوان اشعار شاه زین‌العباد، این دو نام، دو شخص بوده و شاه زین‌العباد از نوادگان حضرت شاه‌زندوست. در اینجا این موضوع و در کنار آن، یک مسئله کوچک اما مهم درباره تاریخ‌نگاری حضرت شاه‌زندو بررسی و تصحیح می‌گردد.

۲-۲. بررسی دو مسئله محتوایی و تقویمی درباره حضرت شاه‌زندو (ع)

الف) در بخش پیش گفته شد که در کتاب‌های مرجع قدیم که اختصاص به شرح حال بزرگان دارد، مطالبی که مربوط به امامزادگان شاه‌زندو و شاه زین‌العباد است، با تذکره شاه‌زندو و آنچه

۱. مجله فرهنگ ایران زمین، س ۲، ش ۲ و ۳، ۱۳۳۳.

در دیوان شاه زین‌العباد بیرمی آمده، مغایرت دارد. مهم‌ترین آن مراجع که در تاریخ‌های محلی لارستان به آنها استناد شده، فارسنامه ناصری است؛ رضاقلی‌خان هدایت در ریاض‌العارفین، شاه زین‌العباد را شاه زنده معرفی می‌کند و گنبد و بارگاه فعلی امامزاده شاه‌زندو را که در بیرم قرار دارد، متعلق به شاه زین‌العباد یا عابد دانسته است (رضاقلی‌خان هدایت، ۱۳۴۴: ۱۳۲) و آن‌گاه در فارسنامه ناصری، او با نام سید عابدشاه زندان بیرمی معرفی شده و بعد از آن، مطالب موجود در ریاض‌العارفین نقل شده است (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۱۵۱۶).

این ارجاع در کتاب بیرم دارالاولیای لارستان (وثوقی، ۱۳۷۵: ۳۷) بدون توضیح متن یا تصحیح آن آورده شده است. در کتاب بیرم در گستره تاریخ (خادم و کریمی، ۱۳۸۶: ۴۲) ضمن نقل مطالب این دو کتاب، توضیحاتی نیز درباره این شرح حال آمده و گفته شده که از جانب مؤلفان آن کتاب‌ها و در معرفی شاه زین‌العباد اشتباه رخ داده است و در صفحات بعدی درباره معرفی شاه‌زندو در کتاب فارسنامه ناصری و ریاض‌العارفین توضیح داده شده که آن دو بزرگوار دچار اشتباه شده‌اند (همان: ۴۳ - ۴۵). در کتاب سفینه روح‌الله که در آن افزون بر تصحیح نسخه خطی، از منظر تاریخی نیز مطالبی جامع و مفید درباره شاه زین‌العباد آورده شده و پژوهشی قابل ستایش است، ضمن نقل مطالب فوق از پیشینیان، شرحی کوتاه بر مطلب آورده شده، اما تحلیلی انجام نگرفته است (وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵ - ۱۷). در کتاب تصحیح نسخه خطی روح‌الله نیز معرفی شاه زین‌العباد در کتاب‌های قدیم، اشتباه خوانده شده است (پیرک، ۱۳۹۷: ۲۲). در این کتاب به تحلیل کامل و جامع اشعار شاه زین‌العباد براساس نسخه خطی موجود در کتابخانه تبریز اقدام شده و با توجه به رشته تحصیلی مؤلف (ادیات فارسی)، از لحاظ ادبی، کاری شایسته و مفصل انجام شده و پژوهش تاریخی آن نیز در سطح کافی است. در جلد یکم کتاب تاریخ مفصل لارستان هم به نقل از مراجع پیشین درباره شاه زین‌العباد بسنده شده و توضیحی در حاشیه آن نیامده است (وثوقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۹۷). در کتاب‌های تذکره حضرت شاه‌زندو (خادم و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۵) و خاندان حاج سیدعلی تاجر بیرمی (کارگر جهرمی و عسکری، ۱۳۹۱: ۴۲-۴۱) مطالب موجود در فارسنامه، متعلق به شاه‌زندو و در معرفی وی تفسیر شده است؛ درحالی که متن فارسنامه در معرفی عابدشاه یا شاه زین‌العباد است و در ادامه، او را صاحب گنبد و بارگاه دانسته و بارگاه حضرت شاه‌زندو متعلق به شاه زین‌العباد ذکر شده است؛ یعنی مطالب ریاض‌العارفین و فارسنامه و دیگر منابع ذکرشده در ابتدای این مبحث، در معرفی شاه زین‌العباد است نه شاه‌زندو! که این مورد، در دو کتاب پیش گفته، نیاز به اصلاح متن دارد. و البته در اینجا توضیحاتی در روشن شدن این مبحث و آنچه که در کل آثار فوق آمده، ضروری است:

با استناد به تذکره و دیوان شعر شاه زین‌العباد و با توجه به اینکه صاحب‌قلمان و شرح‌حال‌نویسان قدیم، دلیل و سندی نیز برای این سخن خود (یکی بودن شاه‌زندو و شاه زین‌العباد) نیاورده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که باید آنچه را در تذکره موجود است، میزان قضاوت و شاخص خود قرار دهیم؛ یعنی شاه زین‌العباد، شاعری در چند قرن پس از شاه‌زندو بوده و از آنجاکه در وصف جد خویش سروده و در اشعارش نیز از او نام برده و مقبره او نیز نامشخص بوده است، مؤلفان دایرة‌المعارف‌های یادشده را به آن سمت برده که عابدشاه با شاه‌زندو یکی است و تصور کرده‌اند که بارگاه و گنبد موجود در بیرم متعلق به عابدشاه ملقب به شاه‌زندوست. این نتیجه‌گیری براساس متن موجود در تذکره است.

شاه زین‌العباد در مصرع «چون جد من است و من نبیرم» (وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۲) اشاره به این دارد که نواده حضرت شاه‌زندو است. براساس شجره‌نامه موجود در ابتدای نسخه خطی دیوان شاه زین‌العباد و اسامی و واژگانی که در اشعار استفاده شده، می‌توان او را متعلق به قرن هشتم و نهم دانست. شجره‌نامه شاه زین‌العباد براساس نسخه خطی موجود در کتابخانه تبریز این‌گونه ذکر شده است: «[...] حضرت سید زین‌العباد الحسینی علی بن سید فضل‌الله بن سید محمد بن سید نورالدین بن سید جبرئیل بن سید زیدالمثنی بن سید اسماعیل بن سید محمد بن سید ابراهیم بن سید عباس بن سید محمد بن سید نورالدین بن سید جبرئیل بن سید الاعظم الاکرم سید عقیف‌الدین زندویه اکبر المکی الحسینی بن حسین بن سید ابراهیم المرتضی بن سید حسین الافطیتی الملقب جعفر ابن امام موسی الکاظم [...]» (پیرک، ۱۳۹۷: ۵۹).

در مقدمه نسخه خطی سفینه روح‌الله (وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷) نیز از شجره‌نامه شاه زین‌العباد چنین یاد شده است: «حضرت سید زین‌العباد الحسینی علی بن الولی بن الولی بن الولی بن سید فضل‌الله بن سید محمد بن سید نورالدین بن سید جبرئیل بن سید زیدالمثنی بن سید اسماعیل بن سید محمد بن سید ابراهیم بن سید عباس بن سید محمد بن سید نورالدین بن سید جبرئیل بن سید الاعظم الاکرام سید عقیف‌الدین زندویه اکبر المکی الحسینی بن حسین بن سید ابراهیم المرتضی بن سید حسین الافطیسی الملقب جعفر ابن امام موسی الکاظم» و در تذکره شاه‌زندو از او با عبارت «هو الامیر الکبیر زین‌العابدین علی بن فضل‌الله» یاد شده است. اگرچه در چند اسم تفاوت‌هایی وجود دارد، در مجموع با توجه به این شجره‌نامه‌ها می‌توان فاصله‌ای بین چهار تا پنج قرن را بین شاه‌زندو و شاه زین‌العباد در نظر گرفت. «امروزه در تپه‌های شمالی بیرم [در نزدیکی چشمه نونه‌دور] محلی است که در افواه عامه [گفتار عموم] به جایگاه

چله‌نشینی شاه زین‌العباد شهرت دارد و در لهجه محلی شاه زینل آباد نامیده می‌شود» (همان: ۲۰). در ادامه نیز نوشته شده است: «اینکه صاحب ریاض العارفین، شهرت شاه زین‌العباد را شاه زنده نوشته به احتمال زیاد، اشتباه کاتبان بوده و شهرت درست این خاندان به تصریح تذکره‌های موجود و دیوان اشعار شاه زین‌العباد بیرمی، شاه‌زندو است» (همان: ۲۱).



تصویر ۵. مزار موزه شاه زنده در سمرقند

در لغت‌نامه دهخدا شاه زنده، یک ترکیب وصفی خوانده شده و این‌گونه درباره آن توضیح داده شده است: «[...] مرحوم اردشیرجی می‌گفت در سفر اول که به ایران آمدم، گدایان دوره‌گرد مردم را به شاه زنده سوگند می‌دادند که به آنان چیزی دهند ... امروز زنان وقتی در حمام خواهند قسم خوردند، کف دست بر زمین زنند و گویند: به این شاه زنده؛ و البته می‌دانیم که زیرزمین حمام، مجرای حرارت است و از اینجا شاید بتوان دریافت که مراد آنان از شاه زنده، آتش باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۴۰۸۰). در جنوب و در گفتار محلی در توصیف سادات می‌گویند که «جدشان گرم است» و این مثل احتمالاً از همین جا گرفته شده است و منظورشان این است که وی زنده، حاضر و تواناست. معروف‌ترین جایی که به نام شاه زنده شناخته می‌شود، مزارموزه شاه زنده است (تصویر شماره ۵): «در کنار دیوارهای شهر باستانی سمرقند از دامنه تپه‌های مشرف به شهر، یکی از زیباترین و باشکوه‌ترین مزارستان‌های مشرق‌زمین خودنمایی می‌کند. حرم شاه

زنده یا قثم بن عباس پسر عم پیامبر (ص) در سمرقند ازبکستان؛ بنای آرامگاه شاه‌زنده که امروز یکی از آثار تاریخی ازبکستان محسوب می‌شود، توسط معماران خراسانی ساخته شده و یک مکان اسلامی محسوب می‌گردد. در محوطه این بنا هم گورستان بزرگی وجود دارد که در آن بسیاری از بزرگان دوره تیموری و بعد از آن خفته بودند. این گورستان، مجموعه‌ای از قبرها و آرامگاه‌هایی است که در فاصله قرون ۵ تا ۹ قمری ساخته شده است. برخی از زنان تیمور هم در این گورستان دفن شده‌اند. چون عده‌ای اعتقاد به زنده‌بودن و رجعت او داشته‌اند، به شاه‌زنده معروف شد» (محمدی‌نجات، ۱۴۰۲: ۸).

درباره شاه‌زین‌العباد بیرمی که با نام عابدشاه نیز معرفی شده و همان‌گونه که گفته شد با حضرت شاه‌زندو (ع) یکی دانسته شده، باید به نکته‌ای مهم در تاریخ که همانا زبان تاریخ است نیز توجهی ویژه داشت. آنچه روشن است اینکه ادیبان یا مورخان صاحب‌قلم، نکات ناگفتنی (برای عوام) را در پوشش کلمات و جملات لایه‌دار و سه‌بعدی و به شکل تلویحی به هم‌سنگ خود در تاریخ منتقل می‌کنند و این شیوه‌ای معمول در ادبیات فاخر (مثل نگارش تاریخ بیهقی یا قلم سیدرضی در نهج‌البلاغه) است. افزون بر اینکه زبان منظوم ادبیات با زبان نثر تاریخ‌نگاری متفاوت است؛ یک شاعر از آرایه‌های ادبی مثل استعاره، کنایه و ... در کلام خود استفاده می‌کند و لزوماً آنچه می‌نویسد، نباید به صورت خطی مورد استناد قرار گیرد؛ برای مثال شاه‌زین‌العباد یا عابد در مصرع «که نام او به عالم بُد صلنقور» با تأثیرپذیری از حکومت سلغریان در فارس ممکن است از استعاره بهره برده باشد و مقصودش از صلنقور، شاه مقتدر و شجاع بوده باشد! منظور این است که برای تصحیح نسخ خطی یا چاپ آثار تاریخی باید تمام جوانب را در نظر گرفت؛ به همین دلیل نگارنده بارها متذکر شده که تاریخ، غنیمت و میراث یک نفر یا یک دسته خاص نیست و باید آثار فرهنگی - تاریخی به‌ویژه آثار مربوط به تاریخ محلی، به شکل گروهی و زیر نظر یک انجمن با اعضای که از فرهیختگان آن منطقه هستند انجام پذیرد تا میزان خطا به کمترین سطح برسد و به دلیل اینکه آن کتاب‌ها به نام انجمن منتشر می‌شود، از حالت فردگرایی خارج شده و میزان دافعه‌های معمول قلمی و تأثیر سبک تاریخ‌نگاری قومی - محلی و چالش‌های اجتماعی آن در اثر به اصطلاح چکش‌کاری چندباره متن، ناچیز می‌گردد که البته در حال حاضر با توجه به اتفاقاتی که در حوزه فرهنگ منطقه بیرم افتاده و در حال نیز ادامه دارد، با وجود کوشش‌های نگارنده برای جمع‌آوری و یکی کردن اسناد تاریخی منطقه و یادداشت‌های مکرر درباره شیوه انتشار کتاب‌های تاریخی و ...، شرایط انتشار استاندارد آثار فرهنگی مربوط به تاریخ و تاریخ ادبیات این ناحیه، مطابق آنچه گفته شد فراهم نیست که به تازگی به جای محتوامحوری

و تمرکز روی کار اصلی و شناخت و رعایت حقوق اهل فرهنگ و انجام کار کامل و درست در راستای تکریم مخاطب و تاریخ، نگاه‌ها به سمت انحصارطلبی و استفاده ابزاری از اسناد و نسخ خطی در جهت منافع شخصی یا یک گروه خاص است که هیچ دستاورد فرهنگی حقیقی برای این خطه به همراه نخواهد داشت.

درباره فوت شاه‌زین‌العباد (بدون ذکر منبع) آمده است که در سال ۸۲۲ قمری در روستای برخت در جزیره قشم رخ داد (وثوقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۷۱). درباره مقبره شاه‌زین‌العباد نیز در کتاب سفینه روح‌الله نوشته شده که در سفرنامه نادری در شرح جزیره قشم درباره روستایی به نام کرمو، آمده که قریه‌ای است معمور و شاه‌زین‌العباد در آن مدفون و اکنون خراب است (وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۵). حال اینکه این مقبره مربوط به شاه‌زین‌العباد بیرمی است یا آرامگاه شخص دیگری با همین نام است، طبق این یادداشت، مشخص نیست و نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد.

برای اطلاعات بیشتر درباره شاه‌زین‌العباد و اشعار وی (با در نظر گرفتن مطالب این بخش از مقاله حاضر) رجوع شود به کتاب‌های تذکره حضرت شاه‌زندو (ع) بیرم (خادم و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۴)، تصحیح نسخه خطی روح‌الله (پیرک، ۱۳۹۷: ۲۱) و سفینه روح‌الله - مجموعه اشعار شاه‌زین‌العباد بیرمی (وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۵)؛ ضمن اینکه پیش از این نیز در دو مقاله به معرفی و بررسی آثار شاه‌زین‌العباد بیرمی اقدام شده است که یکی مقاله «بررسی نسخه خطی روح‌الله» (پشت‌دار و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۵ - ۱۰۵) و دیگری مقاله «بررسی نسخه خطی دیوان عابد» (پیرک، ۱۳۹۶: ۳۷ - ۵۶) است.^۱

ب) مسئله دوم مربوط به سال تولد و هجرت شاه‌زندو است. در نخستین قدم در کتاب بیرم دارالاولیای فارس براساس دو بیت زیر، نوشته شده که کلمه تحویل در بیت دوم، رمز شعر است

۱. درباره شاه‌زین‌العباد این نکته نیز افزوده می‌شود که نگارنده چند سال پیش، پژوهشی مقدماتی درباره شاه‌زین‌العباد انجام داده بودم؛ ولی با تمام دلبستگی به کار بر روی آثار تاریخی و ادبی مربوط به زادگاه خویش و با وجود اینکه دو مجموعه منتشرشده از ایشان، مستقل و براساس یک نسخه از اشعار شاه‌زین‌العباد بوده و شامل اشعار کامل ایشان همراه با تطابق نسخه‌های مختلف با هم نبوده؛ به دلیل اینکه تکلیف، بر نگارنده روشن نبود و نمی‌دانستم در آینده چه خواهد شد و ممکن بود در میانه کار، اثری دیگر از وی منتشر شود، از کار تصحیح اشعار کامل شاه‌زین‌العباد صرف‌نظر کرده و پژوهش خود را به سمت طنز تغییر دادم (که بعدها تحقیق اخیر در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد خویش در رشته زبان و ادبیات فارسی تکمیل گردید). جدا از بخش‌های ادبی همان پژوهش نیمه‌کاره درباره اشعار شاه‌زین‌العباد، به‌منظور پیشگیری از تکرار مکررات، فقط قسمت‌هایی که درباره تاریخ مؤلف (عابدشاه) و جد ایشان حضرت شاه‌زندو بوده و در کتاب‌هایی که تاکنون منتشر شده است نیامده؛ در مقاله حاضر برای نخستین بار و به‌عنوان مطالب تازه‌یاب، آورده شده است.

و در ادامه، براساس حروف ابجد، عدد ۳۴۴ از کلمه تحویل به دست آمده و سال تولد شاه‌زندو در نظر گرفته شده است (وثوقی، ۱۳۷۵: ۴۲):

آمد سیصد ز بعد هجرت بر مقتل کافران فجرت
از مکه به بیرم است تحویل گفتم رمزی تو را به تمثیل

کتاب دارالاولیای لارستان در سال ۱۳۷۵ منتشر شده که در آن زمان هنوز رایانه و نرم‌افزارهای امروزی که کار پژوهش را تا حدودی تسهیل بخشیده‌اند، وجود نداشته است؛ به همین دلیل ممکن است بر اثر مشغله مؤلف فرهیخته آن در زمان محاسبه با توجه به کمبود امکانات تدوین کتاب در آن زمان، به اشتباه، عدد ۳۴۴ وارد شده باشد و این خطای رقمی ساده، سبب نتیجه‌گیری اشتباه دومینوار در این مسئله شده است. این‌گونه خطاهای نگارشی یا محاسباتی تقویمی که سهوی بودن آن هم مشخص است، معمولاً در یک پژوهش گسترده که برای بار اول نیز انجام شده رخ می‌دهند؛ همچنان‌که در جاهای دیگر این کتاب نیز در اعداد آن، جابجایی رخ داده و اعداد پس‌وپیش نوشته شده‌اند که این بخش مربوط به حروفچین یا صفحه‌آراست. اما نکته مهم این است که در کتاب‌های بعدی که براساس تذکره شاه‌زندو منتشر شده‌اند، این اشتباه و تحلیل تاریخ غزه‌ها و سکونت شاه‌زندو بدون بررسی اصل موضوع به صورتی دنباله‌دار تکرار شده است! کلمه تحویل براساس حروف ابجد، عدد ۴۵۴ است نه ۳۴۴ و با توجه به تاریخ وفات شاه‌زندو که در تذکره، سال ۴۳۲ قمری ذکر شده، کلمه تحویل نمی‌تواند رمز این شعر باشد! تحویل در اینجا به معنای جابجایی و انتقال یا هجرت است و منظور شاعر، هجرت امامزاده شاه‌زندو از مکه به بیرم بوده است. در شعر دیگری نیز کلمه تحویل با مفهوم جابجایی و انتقال آمده و با تمثیل هم قافیه شده است:

عشق آمد و خویش کرد تبدیل با عاشق خود بکرد تحویل
معشوقه بدید و گفت آنم یا لیس کمثله به تمثیل

(وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۳)

افزون بر اینکه وقتی شاعر به صراحت از عدد سیصد استفاده می‌کند، دیگر دلیلی ندارد عددی دیگر را با فاصله بسیار از عدد اول به صورت سرراست به کار ببرد؛ همچنین در آثار قدیم چندان توجهی به تاریخ تولد یک شخص نمی‌شده و ملاک، تاریخ هجرت یا مقام‌دارشدن یک فرد بوده است! اما درباره رمز باید گفت که در بیت اول، زمان فعل «آمد» ماضی مطلق (ساده) یا ماضی نقلی است (که فعل کمکی آن حذف شده است) و در هر دو صورت به گذشته اشاره دارد.

معنای بیت این است: وقتی که سیصد سال از هجرت گذشته بود، بر مقتل کافران فاجر آمد؛ در اینجا به ضرورت وزن شعر، عددی سراسر ذکر شده و منظور شاعر رقمی بالاتر از سیصد بوده است. این بیت به مقدمات مسلمان شدن زرتشتیان منطقه لارستان و غلبه تدریجی لشکریان اسلام بر زرتشتیان کاریان و ایراهستان اشاره دارد که در میانه قرن چهارم اتفاق افتاده است؛ به همین دلیل نیز شاعر از کلمه «مقتل» استفاده کرده که بیان‌کننده کشته شدن ایرانیان و بومیان در آن زمان است، در حالی که شاه‌زندو هنوز به ایران نیامده بوده است. «مسلمان شدن مردم منطقه لارستان با ورود نیروهای اسلامی به فرماندهی سید عقیف‌الدین معروف به شاه‌زندو آغاز شده است. او به همراهی تعداد بسیار زیادی از سپاهیان عرب، از مدینه راهی نواحی جنوب ایران شده، پس از چهل سال [بیش از سه دهه] درگیری و جنگ، بیشتر نواحی جنوب را تصرف و مردمش را به اسلام دعوت کرده است. بنابراین اهالی نواحی غربی لارستان کنونی زودتر به دین اسلام گرویده‌اند و پس از آن اسلام در نواحی شمالی و شرقی منطقه گسترش یافته است. لارستان در این دوره با عناوین ایراهستان و کجاران شناخته شده است. هر دو لغت، واژگانی پهلوی و به معنای سرزمین کناره دریا و معادل سرزمین‌های ساحلی است. معروف‌ترین شخصیت‌های مذهبی لارستان در سه قرن آغازین، مولانا ابی‌احمد جویمی مدفون در جویم و مولانا سید عقیف‌الدین بن موسوی مدفون در بیرم و میرعلی بن حسین مدفون در لار می‌باشند. آبادترین نقاط لارستان کهن در سه قرن آغازین قمری عبارت بودند از خنج، جویم، بیرم، فال، اشکنان و لار که از مراکز مهم شهری آن دوره محسوب می‌شده‌اند» (وثوقی، ۱۳۸۱: ۴۸ - ۴۹).

اما در بیت دوم از فعل «است» (زمان حال) استفاده شده که نشان می‌دهد بیت اول، مقدمه و توضیحی برای بیت دوم بوده و رمز، نهفته در بیت نخست است. در بیت دوم، از زمان جابجایی و مهاجرت شاه‌زندو از مکه به بیرم گفته شده و شاعر، تأکید می‌کند که به رمز گفته‌ام! (یعنی به بیت اول ارجاع داده است) و معمولاً چیستان‌ها نیز این‌گونه‌اند. حال پرسش اینجاست که منظور شاعر چه زمانی بوده است؟ برای دریافت رمز باید به یکی از آرایه‌های ادبی به نام توشیح یا شعر موشح توجه کرد. توشیح یکی از اصطلاحات بلاغی و از جمله صنایع بدیع لفظی به معنی حمایل‌بستن و مجازاً به معنی زیوربستن است و در اصطلاح، بیرون آوردن بیتی، نامی، لقبی یا جمله‌ای که بیان‌کننده معنایی باشد از دل یک نوشته یا یک سروده است. به این ترتیب که نویسنده یا شاعر، ضمن نوشته یا سروده خود یا در ابتدا و انتهای مصرع‌ها و ابیات، حروف یا کلماتی درج کند که چون آنها را از نوشته یا سروده جدا سازند، کلمه یا کلامی مستقل پدید آید. در اشعار شاعرانی که در اواخر دوره طلایی سبک عراقی یا پس از آن زیسته‌اند به‌ویژه در ابیات

شاعران دوره بازگشت ادبی، صنعت توشیح بسیار رواج دارد که یک نمونه از آن در معرفی نسخه سفینه شرف جهان از ملاشرف‌الدین بیرمی آورده شده است.^۱

در اینجا در بیت اول نیز رمز موجود به صورت شعر موشح آورده شده است. حروف اول و آخر مصراع اول و دوم، رمز را مشخص می‌کنند. در مصراع اول، حروف «الف» و «ت» که عدد ۴۰۱ را نشان می‌دهند و در مصراع دوم، حروف «ب» و «ت» که عدد ۴۰۲ را نشان می‌دهند. اکنون با توجه به بیت دوم می‌توان نتیجه گرفت که منظور شاعر این بوده که وقتی در قرن چهارم، نیروهای مسلمان در جنوب ایران قدرت گرفتند و کفه نبرد به نفع آنان سنگینی کرد، شاه‌زندو برای گسترش اسلام و تشکیل حکومت اسلامی در سال ۴۰۱ قمری از مکه حرکت کرد و در سال ۴۰۲ قمری به بیرم وارد شده است. با توجه به سال فوت شاه‌زندو که سال ۴۳۲ قمری است، نتیجه می‌گیریم که امامزاده سید عفیف‌الدین شاه‌زندو (ع) سی سال در بیرم زندگی کرده‌اند. این مسئله که کلمه تحویل، رمز شعر موجود دانسته شده و در پی آن برداشت و نتیجه‌گیری بر همین اساس (ابجد) در کتاب‌های بیرم در گستره تاریخ (خادم و دیگران، ۱۳۸۶)، شجره طيبة امامزادگان فارس (حیدری و دیگران، ۱۳۸۷)، جلد یکم تاریخ مفصل لارستان (وثوقی و دیگران، ۱۳۸۷)، تذکره حضرت شاه‌زندو (ع) بیرم (خادم و دیگران، ۱۳۹۰)، سفینه روح‌الله مجموعه اشعار شاه‌زین‌العباد بیرمی (وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷) و ... تکرار شده و در کتاب تصحیح نسخه خطی روح‌الله (پیرک، ۱۳۹۷) نیز مؤلف با در نظر گرفتن کلمه تحویل به عنوان رمز، لشکرکشی‌های حضرت شاه‌زندو را پس از سال ۴۳۲ قمری ذکر کرده است، در حالی که زمان فوت ایشان طبق تذکره، سال ۴۳۲ است و این مطلب نیز صحیح نیست که در صورت تجدید چاپ این آثار، شایسته است تصحیح انجام گیرد. نکته مهم، اینکه روشن است در تاریخ، چندسال کم و زیاد، چیزی را عوض نمی‌کند و اهمیتی ندارد و هدف از تصحیح مطلب، این است که مخاطب از دقت نظر کاتب یا مورخ اطمینان حاصل کند؛ از این رو وجود این لغزش‌های کوچک و کم‌اهمیت ممکن است موجب گسترش و بیروسی بدبینی شود و این بیماری معمول تاریخ به کل مطلب سرایت کند و به اعتبار کوشش‌های بسیار پژوهشگران و مؤلفان لطمه وارد نماید. ضمن اینکه در تاریخ‌نگاری، هرچا لازم است ارقام و تاریخ دقیق ذکر گردند، باید به تاریخ‌های قمری و شمسی نیز توجه کرد تا مخاطب دچار سردرگمی زمانی نشود.

۱. سیدمهدی عسکری، «معرفی نسخه خطی تازه‌یاب سفینه شرف جهان»، دومین همایش بین‌المللی تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی ایران (انجمن علمی تحقیق و تصحیح نسخه‌های خطی ایران)، یکم آبان ۱۴۰۲، ص ۶۲-۶۴.

ارزیابی نهایی و جمع‌بندی این بخش از مطلب، این است که در دو مبحث زندگی‌نامه شاه زین‌العباد بیرمی و تاریخ ورود شاه‌زندو به بیرم براساس دیوان شاه زین‌العباد و تذکره شاه‌زندو که بخشی از آن براساس دیوان شاه زین‌العباد است، می‌توان نتیجه گرفت شاه زین‌العباد، شاعر دوره تیموریان (نیمه دوم قرن هشتم و قرن نهم) است که در اشعارش به زندگی‌نامه حضرت شاه‌زندو (ع) نیز که خود نبیره اوست و طبق مطالب فوق در اوایل قرن پنجم در بیرم بوده، پرداخته و همین موضوع ممکن است سبب اشتباه مورخان و تذکره‌نویسان قدیم شده باشد که او را شاه‌زندو تصور کرده‌اند. همچنین زمان حضور شاه‌زندو در جنوب و سکونت ایشان در بیرم در فاصله سال‌های ۴۰۲ تا ۴۳۲ قمری بوده است.

این بنده شاگرد به این دلیل که قلم و زمان کوچک خود را مدیون بزرگ تاریخ و فرهنگ کشور و جغرافیای محلی خویش می‌دانم، بیش از دود دهه است که در هر نوع و بخشی در مسائل فرهنگی مرتبط با تاریخ و فرهنگ این سرزمین از ارائه و هزینه تمام توان قلمی خویش برای ادای دین در مسائل ملی و محلی دریغ نکرده که این مسئله، قابل بررسی و راستی‌آزمایی است. در همین راستا ضمن تعظیم در محضر پیشکسوتان گرانقدر، عنوان می‌شود که عریضه موجود فقط به منظور درک و تصحیح دو مطلب تاریخی و قطع رشته دنباله‌دار دولغزش سهوی و کوچک اما مهم در آثار مربوط به تاریخ دیار لارستان بزرگ و پیشگیری از تکرار چندگانگی و ایجاد شبهه در آینده بوده و قصد بنده شاگرد، مته به خشخاش گذاشتن، خرده‌گیری یا جسارت به حریم آثار اهل حقیقی اندیشه و نقد کتاب‌های بزرگ‌تران و نادیده‌گرفتن کوشش صاحب‌قلمان پیشکسوت نیست. ضمن تأکید بر این مورد که اگرچه نقد و تصحیح، حق انکارناپذیر و ستون‌پویایی دانش است، به دلیل تمرکز بر قلم خویش، این مقاله آخرین ورود نگارنده به آثار مکتوب و منتشرشده در منطقه بیرم لارستان به منظور اصلاح موارد جامانده و جابجاست، امید است که مقاله حاضر موجب تکدر خاطر نگردد. در مجموع نیز این دو مورد ورود بنده به دیگر آثار مکتوب (نخست، نقد و تصحیح کتاب جد خویش یعنی کتاب خاندان حاج سیدعلی تاجر بیرمی پس از یک دهه به دلیل مسئولیت در برابر تاریخ خانوادگی و برای تکمیل تاریخ جد خود؛ دوم، یک‌دست‌سازی تاریخ امامزاده شاه‌زندو (ع) به عنوان ستون اصلی تاریخ منطقه بیرم لارستان و جنوب فارس) تنها ادای تکلیف و انجام وظیفه به تاریخ گذشته و آینده و ماهیت فرهنگ بوده است.

درباره لقب زندو صرف نظر از آنچه در تذکره شاه‌زندو آمده است و زندو را به معنای آتش تیز و سرخ در نظر گرفته‌اند، دو بحث وجود دارد: اگر زندو را با فتحه «ز» در نظر بگیریم، می‌توان نتیجه گرفت که واو اشتقاقی (نسبت) است (مثل هندو)؛ اما چنانچه زندو را با کسره «ز» تلفظ کنیم، می‌توان

گفت مخفف کلمه زندون است به معنی شاه زندان؛ مطابق آنچه در منابع پیشین ذکر شده است. این احتمال (اگرچه کم) نیز وجود دارد که واو زندو از نوع واو تفریق و تشخیص بوده باشد.

اگر براساس حروف ابجد هم بخواهیم حساب کنیم، لقب «شاه‌زندو» معادل عدد ۳۷۳ است که شاید بیان‌کننده اتفاق یا حادثه‌ای مهم (مثل فوت پدر یا حتی اگرچه احتمالش کم است تولد آن حضرت) بوده باشد. این شیوه لقب‌گذاری نیز در قدیم مرسوم بوده و القاب براساس ابجد که به محاسبات و مناسباتی اشاره داشته‌اند به افراد یا خاندان تعلق می‌گرفته است.

۳. حضرت شاه‌زندو (ع) در آثار جدید

در بخش پیشین به یادداشت‌هایی اشاره شد که در دایرةالمعارف‌ها و یادنامه‌های قدیم دربارهٔ بیرم و امامزادگان آن آمده است؛ در ادامه از کتاب‌ها و آثار جدید نکاتی یادآوری و بررسی می‌گردد. تاکنون تمام مطالب و اطلاعاتی که دربارهٔ امامزاده حضرت شاه‌زندو (ع) منتشر شده، براساس دو مرجع بوده است: یکی تذکرةای که سیدعلی اکبر کلانتر بیرم در دوره قاجار نگارش کرده است و دیگری نسخه خطی مجموعه اشعار شاه زین‌العباد بیرمی که در کتابخانه‌های تبریز و تهران به دست آمده است. براساس این آثار خطی، چند کتاب منتشر شده است که در این مقاله، مختصری از مطالب آن کتاب‌ها که مرتبط با این امامزاده است، به شکل جمع‌بندی شده آورده می‌شود و در کنار آن، چنانچه نکته‌ای قابل بحث یا اصلاح باشد، به عرض می‌رسد تا در پایان، نتیجه‌ای واحد و استاندارد دربارهٔ کلیت تاریخ امامزاده شاه‌زندو (ع) حاصل گردد.

نخستین مطلبی که در آثار جدید (یعنی پس از بررسی تذکرة حضرت شاه‌زندو در بیرم) دربارهٔ شاه‌زندو نوشته شده است، یادداشتی از دکتر محمدباقر وثوقی در نشریه «آینده» است: «شاه‌زندو نبشته‌ای ندارد [...] تذکرةای از نامبرده نوشته شده که تاریخ نگارش اصل آن مشخص نیست؛ اما عابدشاه بیرمی از بازماندگان شاه‌زندو غزوه‌نامه‌ای منظوم به سبک شاهنامه از روی تذکرة اصل سروده [...] و پس از آن در اواخر دوره قاجاری، سیدعلی اکبر بیرمی از نسخه تذکرة عربی به فارسی، ترجمه و با غزوه‌نامه عابدشاه بازنویسی کرده است. اصل تذکرة از میان رفته است» (وثوقی، ۱۳۷۲: ۱۰۸۸). نویسندۀ تذکرةای که به آن اشاره شد، سیدعلی اکبر بیرمی است: «تذکرة شاه‌زندو نوشته سیدعلی اکبر موسوی بیرمی است که با استفاده از تذکرة مربوط به سده پنجم و اشعار عابدشاه بیرمی [در قرن نهم] به رشته تحریر درآمده است» (خادم و کریمی، ۱۳۸۶: ۴۵). به نقل از مؤلفان کتاب تذکرة شاه‌زندو، نسخه اصلی تذکرة در سده پنج هجری به رشته تحریر درآمده است و اجداد ایشان [مؤلف اصلی کتاب] که قرن‌ها متولی آستان متبرکه حضرت شاه‌زندو (ع) بوده‌اند، بارها از اصل تذکرة سخن گفته‌اند. اصل

تذکره به صورت ناگهانی در کمتر از یکصد سال پیش مفقود گردیده است (خادم و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶). نویسنده تذکره در نسخه خطی مرآت الفصاحه (شیخ مفید شیرازی، ۱۳۱۶: ۱۸۳) این گونه معرفی شده است: «صابر فارسی: اسمش سیدعلی اکبر ولد سیدشکرالله بیرمی؛ خود مذکور ساخته که مدت ها در نزد صاحب این کتاب [داور شیرازی] تحصیل نموده و اکنون که سنه ۱۳۱۶ [قمری] است در بیرم هم کلانتر و هم حاکم شرع است. (تصویر شماره ۶) من قصیده [از اشعار او]:

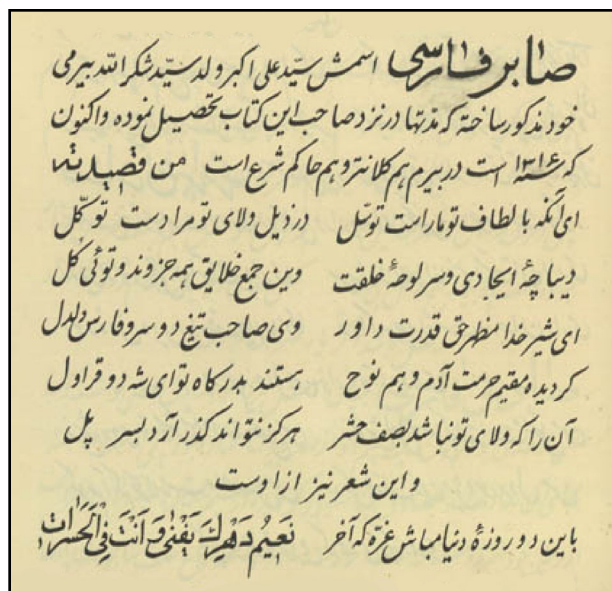
ای آنکه به الطاف تو ما راست تو سل	در ذیل ولای تو مرا دست توکل
دیباچه ایجادی و سرلوحه خلقت	وین جمع خلائق همه جزوند و تویی کل
ای شیر خدا مظهر حق، قدرت داور	وی صاحب تیغ دو سر و فارس دلدل
گردیده مقیم حرمت آدم و هم نوح	هستند به درگاه تو ای شه دو قراول
آن را که ولای تو نباشد به صف حشر	هرگز نتواند گذر آرد به سر پل

و این شعر نیز از اوست:

به این دو روزه دنیا مباش غره که آخر نَعِیمُ دَهْرَکَ یَفْنِی و انت فی الحسرات^۱

۱۷۴

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال | ۳۶ شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴



تصویر ۶. معرفی سیدعلی اکبر بیرمی در مرآت الفصاحه

۱. روزگار سعادت و نعمت به پایان می‌رسد و تو در حسرت و اندوه خواهی بود

این مطلب نشان می‌دهد که اولاً سید علی اکبر به مدتی طولانی شاگرد داور شیرازی بوده است. ثانیاً با توجه به متن موجود و تخلص صابر، سید علی اکبر هم شرح حال خود را نگاشته و هم اشعاری از خویش داشت که طبیعتاً باید در کنار تذکره حفظ می‌شد، اما اکنون در دسترس نیست. سید علی اکبر در پایان نسخه «الف» تذکره با خط شکسته، خود را این‌گونه معرفی کرده است: «به خط اقل السادات علی اکبر ابن شکرالله بن حاج سید مصطفی بن سلام الله بن سید محمد من اولاد و زادگان حضرت شاه زندوی الموسوی الحسینی مدفنه فی قریه البیرم من توابع الارسیف [...]» (وثوقی، ۱۳۷۵: ۳۹).

براساس تاریخ شفاهی به نقل از مؤلف کتاب تذکره شاه‌زندو (ع) درباره سید علی اکبر بیرمی آمده است: «او تا سن یازده سالگی تحت تعلیم پدرش سید شکرالله خواندن، نوشتن و قرائت قرآن را فراگرفت. سپس با تشویق و ترغیب پدر با شوق فراوان خود فراگیری دروس حوزوی را آغاز کرد و در راه کسب علوم دینی و عرفانی به همراه پدر خویش به شیراز مسافرت کرد. وی در شیراز با حضور در مدرسه آقا بابا خان، مقدمات و صرف و نحو را آموخت؛ سپس به مدرسه خان نقل مکان کرده و در محضر سید مصطفی موسوی بیرمی ملقب به صدرالملک، فراگیری علم و دانش را از سر گرفت. سرانجام پس از مدتی، سرپرست و استاد وی یعنی صدرالملک به تهران مهاجرت کرده و در آنجا ساکن گردید. عدم حضور استاد در شیراز که چون پدری در تعلیم و تربیتش کوشش می‌کرد، برای وی سخت بود. به علاوه فوت ناگهانی پدرش سید شکرالله نیز بر مشکلات و آلام وی افزود. علی‌رغم همه مصائب، سید علی اکبر همچنان در شیراز در جهت کسب علوم روز، جد و جهدی تمام به کار گرفت و در محضر آقا سید ابوالقاسم، علوم فقه و اصول را به پایان برد و آن‌گاه به زادگاه خویش بازگشت. او در وطن، ملجأ و مأمن مردم بوده و در گشایش امور آنان همت نموده و با حضور در آستان مبارک جد بزرگوارش حضرت سید عقیف الدین شاه‌زندو (ع) کار تعلیم و تربیت همگانی را از سر گرفت و شاگردان بسیاری را تربیت نمود. پس از مدتی شروع به استنساخ از تذکره حضرت سید عقیف الدین شاه‌زندو (ع) که قرن‌ها از نگارش آن می‌گذشت و شیرازه آن از هم گسیخته و اوراق آن پاره شده بود نموده و این امر را در سال ۱۳۰۸ قمری به پایان برد» (خادم و دیگران، ۱۳۹۰: ۹-۱۰).

نخستین اثری که از تاریخ امامزاده شاه‌زندو و تذکره ایشان به شکل اختصاصی و جامع رونمایی کرده، کتاب بیرم دارالاولیای لارستان است که در آن به تاریخ پیش از اسلام مربوط به منطقه لارستان، سپس روند اسلام‌پذیری این خطه پرداخته شده و در پایان، تذکره حضرت شاه‌زندو

معرفی شده است. در این کتاب آمده است: «شهر بیرم که در ابتدا به کُبه معروف بوده، از توابع لارستان در جنوب استان فارس و در مجاورت خلیج فارس است. امامزاده حضرت شاه‌زندو (ع) معروف‌ترین فرد در تاریخ منطقه بیرم است. منطقه بیرم طبق اسناد و شواهد تاریخی در قرون اولیه هجری همچنان دارای آتشکده بوده است» (وثوقی، ۱۳۷۵: ۱۹). «نیروهای اسلامی طی قرون اولیه هجری تنها توانستند با چند لشکرکشی به بخش شمالی لارستان که به کاریان معروف بوده نسبت به تصرف آن اقدام نمایند که با توجه به اوضاع جغرافیایی منطقه، قادر به تصرف کامل آن نشدند [...] و دیگر نواحی لارستان به‌ویژه نواحی غربی آن [و بیرم در جنوب غربی لار] به کیش و آیین زرتشتی باقی بوده‌اند» (همان: ۲۴). «کاریان یکی از قدیم‌ترین نواحی لارستان کنونی و مقر آتشگاه مقدس زرتشتیان به نام آذرمیغ بوده است. اکنون این روستا در منطقه جویم واقع در شمال غربی لارستان قرار گرفته است» (همان: ۱۱). «طی قرن چهارم هجری نام این منطقه [لارستان] به ایراهستان مشهور و معروف گردیده است» (همان: ۲۵). «ایراهستان به کسرِ ها و سکون سین، ساحل فارس به نام ایراه می‌باشد و ستان نیز پسوند آن است که نشانه نزدیکی به دریا [خلیج فارس] است» (همان: ۳۱).

۱۷۶

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

«تذکره، شرح لشکرکشی‌های سلطان عقیف‌الدین موسی از نوادگان امام موسی کاظم (ع) است. این تذکره به نظم و نثر و به دو زبان عربی و فارسی است» (همان: ۳۷). «نسخه خطی الف نوشته‌های سیدعلی اکبر است که به نثر و نظم است و در سال ۱۳۰۸ قمری براساس دیوان عابدشاه بیرمی نوشته شده است. این بخش در بیان حالات و لشکرکشی‌های سیدعقیف‌الدین شاه‌زندو تنظیم شده و وزن اشعار منقول نیز همان وزن حماسی شاهنامه [بحر متقارب] است» (همان: ۳۸). «نسخه ب نیز مربوط به سال ۱۳۰۸ قمری به زبان عربی است که در برخی بخش‌ها ترجمه فارسی نیز در زیر هر سطر وجود دارد» (همان: ۳۹).

«در بیان حالات حضرت عقیف‌الدین شاه‌زندو و باعث بر حرکت فرمودن آن جناب از مکه معظمه زاده‌ها شرفا با اقوام و اقارب و انصار و اصحاب به سمت گرمسیرات فارس و سواحل دریای عمان از بیخ فالات و بنادر... و جهانگیریه و بیرم تا علامرودشت و بلوک خنج و قیروکارزین و دشتستان و برازجان که در آن اوقات در دین مجوس و آتش‌پرست بودند» (همان: ۴۱) که بخش بزرگی از ایالت فارس یا پارس قدیم را شامل می‌شود. همچنین در جای دیگری از تذکره آمده است:

«اخواتی رحمکم الله که چون حضرت سید زندوی حسینی از مکه مبارکه به جانب عجم فارس آمد او را دوازده پسر و شش دختر بود و دخترزادگان با او همراه بودند و زنان و خویشان تماماً به

کوچ و هوادج [جمع هودج یا کجاوه شتر] به فارس عجم آمدند و عمش همراه بود و نام و نسب هر یک از ایشان به تمام در این مختصر بنویسم» (همان: ۴۴). احتمال قریب به یقین، دلیل اصلی سکونت شاه‌زندو در بیرم این بود که بیرم، تنها منطقه‌ای در بخش جنوبی و بیخه‌های مجاور بوده است که آب شیرین داشت و از طرفی به دلیل وجود کوهستان‌های اطرافش که همانند یک نعل اسب از سه جهت شمال، جنوب و شرق او را دربرداشته‌اند، در حصار امن محفوظ بوده است. درباره لقب زندو نیز در تذکره آمده است: «حضرت شاه‌زندو در ابتدای حالات به غایت تیز بود چنان که در حرب کفار، دست‌های مبارک بر هر که می‌افشاند آتش از دست مبارک او شعله می‌زد و از این جهت او را زندو می‌خوانند؛ یعنی تیز است همچون آتش و به زبان عربی، زندو یعنی آتش‌زننده [...]» (همان: ۴۳).

همچنین در شعری موجود در تذکره، اشاره شده است که مردم او را زندو می‌نامیده‌اند:

شنیدم من از گفته راستان حدیث صحیح اندر این داستان
که شاه ملک قدر عالی مقام که خوندی عجم شاه زندوش نام

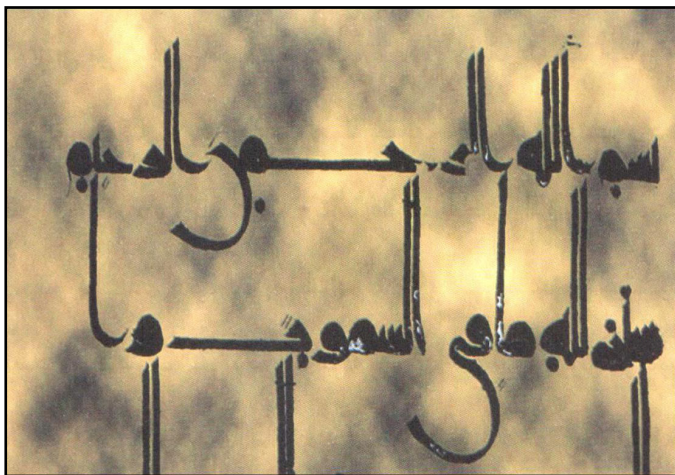
(همان: ۴۴)

۱۷۷

آینه پژوهش | ۲۱۳
سال ۳۶ | شماره ۳
مرداد و شهریور ۱۴۰۴

تاریخ وفات شاه‌زندو در تذکره، سال ۴۳۲ قمری ذکر شده است: «سید عقیف الدین شاه‌زندو توانست که بیست و چهار هزار کس از گبران و اهل ذمه و ترسایان در مجموع بلاد گرمسیر مسلمان گرداند و در سال چهارصد و سی و دو از دنیا رفت و در بیرم مدفون گردید» (همان: ۵۱). بر درهای چوبی موجود بر درگاه مقبره شاه‌زندو نوشته شده اسات: «شاه زندوی عقیف الدین ذوالشرف العالی الرفیع الرتبه فی جمادی الاول من سنه سبع و تسعین و تسع مائه؛ چاکر شاه دین حبیب‌الله ناصر‌المله رکن‌الدوله حضرت الاصف محمود علی قبه الساغر من الرحمه» (همان: ۵۰) که نشان می‌دهد این درب چوبی در سال ۹۹۷ قمری ساخته شده است. البته در مرجع مذکور، «سبع و سبعین» نوشته شده، اما به نظر می‌رسد «سبع و تسعین» درست باشد.

قرآنی نیز به خط کوفی بر روی پوست آهو متعلق به حضرت شاه‌زندو (ع) شامل بیش از دویست برگ که یکی از کهن‌ترین و باارزش‌ترین قرآن‌های خطی جنوب ایران به شمار می‌رفت، وجود داشت که مشهور به مصحف حضرت زهرا (س) و به خط امیرالمؤمنین (ع) بوده و گفته شده که در اواخر دهه هفتاد خورشیدی به سرقت رفته است و اکنون هیچ خبری از آن نیست و امید است که در جایی امن، محفوظ باشد (تصویر شماره ۷). درباره قرآن خطی مذکور، توضیحاتی نیز در کتاب لارستان (وثوقی، ۱۳۸۱: ۵۰-۵۱) و تذکره حضرت شاه‌زندو (خادم و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۵) آمده است.



تصویر ۷. تصویری از قرآن خطی مفقودشده حضرت شاه‌زندو (ع)

در فصل دوم کتاب بیرم در گستره تاریخ نیز درباره تذکره شاه‌زندو مطالبی آمده است که مهم‌ترین آن در اینجا یادآوری می‌شود: «در دهه هفتاد خورشیدی آرامگاه شاه‌زندو بازسازی گردید که لوح قبر آن از زیر خاک بیرون آورده شد. [...] این جملات بر آن نقش بسته بود: هذا قبر شیخ الشیوخ هو الامام العابد العالم الفاضل عقیف الدین زندویه ابن [حسین] ابن ابراهیم فی سلخ رجب [ناخوانا] اثنین ثلاثین [ناخوانا] مائه» (خادم و کریمی، ۱۳۸۶: ۴۰) که ضمن مطابقت با متن تذکره می‌توان دریافت که سال وفات همان ۴۳۲ قمری است فقط در ماه وفات، تفاوتی وجود دارد. «در بخشی از تذکره، درباره شجره حضرت سید عقیف الدین شاه‌زندو چنین آمده است:

بُود نخبه دودمان خلیل ز هفتم امام است آن شه‌سلیل
از او تا به موسی است به غایله پدر بر پسر، نه نفر فاصله

(همان: ۴۱)

که نشان می‌دهد شاه‌زندو، نه نسل تا امام موسی کاظم (ع) فاصله داشت که وفات او را در نیمه اول قرن پنجم تأیید می‌کند.

«در نسخه دوم در تذکره عربی منظوم و منثور درباره شجره‌نامه حضرت سید عقیف الدین شاه‌زندو (ع) چنین آمده: فان سید زندو یكون صلب حسن ابن ابراهیم بن مرتضی بن حسین اصغر بن عون بن مهدی بن محمد بن حسن بن محمد بن موسی کاظم بن جعفر بن صادق ...» (همان: ۴۲). در کتاب تذکره حضرت شاه‌زندو (ع) و کتاب سفینه روح‌الله، شجره ایشان چنین

آورده شده است: «فان سید زندو یکون من صلب حسین ابن ابراهیم بن مرتضی بن حسین الاصغر بن عون بن مهدی بن محمد بن حسن بن محمد بن موسی کاظم بن جعفر صادق...» (خادم و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۹۷) و (وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۲) که با توجه به نسخه عربی تذکره، در یک نام (حسن ابن ابراهیم و حسین ابن ابراهیم) تفاوت دارند که با مطابقت با سایر شجره‌نامه‌ها حسین بن ابراهیم صحیح است و همین شجره‌نامه، کامل‌تر است و یک نام بیشتر دارد. این شجره‌نامه‌ها با شجره‌نامه موجود در دیوان شاه‌زین‌العباد نیز در برخی اسامی مطابقت ندارند.

همچنین در کتاب بیرم در گستره تاریخ آمده است:

زندو که وری جواد آمد او فخر همه حجاز آمد
موسی که بدش به نام کاظم او را بودش پدر اعظم
(خادم و کریمی، ۱۳۸۶: ۴۲)

که در دیوان شاه‌زین‌العباد، بیت نخست به صورت زیر تصحیح شده است:

جعفر که ورا جواز آمد او فخر همه حجاز آمد
(وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۰۷)

که به نظر می‌رسد در کتابت اشعاری که سید علی‌اکبر از روی اشعار شاه‌زین‌العباد انجام داده یا نسخه اصلی، تغییر داشته یا واژه‌هایی را کاتب تغییر داده است.

در تذکره حضرت شاه‌زندو (ع) در یک بیت از تعداد سپاهیان و همراهان آن حضرت سخن به میان آمده است:

به مکه چون شنید آوازه آیین زرتشتی عزیمت کرد سمت فارس آن شاه همایون فر
بهمره داشت از انصار و از اعمام و از یاران ده و دو الف شیرانداز پیل‌انداز گه‌پیکر
(خادم و کریمی، ۱۳۹۰: ۲۳)

که بیت دوم اشاره دارد به اینکه شاه‌زندو در سفر به ایران، دوازده هزار نفر از اعضای قبیله و یاران به همراه داشته است.

درباره چگونگی مهاجرت شاه‌زندو به بیرم هم نوشته شده است: «چون حضرت شاه‌زندو موکب همایون را از بندر کنگ در جناح حرکت آورده با عساکر و همراهان قطع طریق فرموده؛ پس از طی مسافت، صحرای بیرم را مضرب خیام سعادت فرجام خود فرمود» (همان: ۴۲) و «بالاخره

حضرت سلطان عقیف‌الدین قریه مذکوره را محل اقامت و مقر ریاست خود قرار داده در آن مکان رحل اقامت گشود» (همان: ۵۵).

امام هفتمین او را بُود هفتم پدر اما امام هفتمین او را بُود هفتم پدر اما
(همان: ۲۵)

در فصل هجدهم نام و مدفن خاندان و اصحاب حضرت شاه‌زندو ذکر شده است (همان: ۱۵۷).
در فصل بیستم هم بقاع متبرکه خاندان حضرت شاه‌زندو آورده شده که در نقاط مختلف جنوب ایران از جمله بوچیر، فال، کتک، اهل، اشکنان، شیخ عامر، علامرودشت، بنارویه، خنج، مهر، پاقلات و... تدفین یافته‌اند.

مر آن را گفت بیرم جایگاهی ست که یعنی در تفرج عیدگاهی ست
به لفظ تُرک، بیرم، عید باشد بدانند هر که او را دید باشد!
(همان: ۴۰)

که به صراحت مشخص می‌کند نام بیرم به معنای عید و نوروز از زبان ترکی گرفته شده است.
نکته جالب موجود در اشعار تذکره این است که اشعاری حماسی و بر وزن و سبک شاهنامه فردوسی است؛ اما در کلام و مفهوم، از ایرانیان که در آن زمان زرتشتی بوده‌اند، با نام کفار مجوس و ملعون نام برده شده که نشان می‌دهد شاعر، تنها از شاهنامه به عنوان یک قالب شعری و الگوی ظاهری برای وزن و سبک استفاده کرده است.

«هم‌نام با شاه‌زندو بقعه‌ای نیز وجود دارد در شهر شُنبه در استان بوشهر؛ بقعه شاه‌زندو، در شهرستان دشتی، بخش شنبه و طسوج، دهستان شنبه و جنوب غربی شهر شنبه در کنار قبرستانی کهن قرار دارد. فاصله بنا تا خورموج مرکز دشتی ۶۵ کیلومتر و در جنوب شرقی آن واقع شده است. مدفون در این بقعه، شاهزاده محمد معروف به شاه‌زندو است که البته به آن شاه زندان و شاه‌زین‌الدین هم می‌گویند. ظاهره صحیح آن، شاه‌زندوست. از سلسله نسب و اجداد ایشان، اطلاع دقیقی حاصل نشد؛ با این وجود، عده‌ای از بزرگسالان و مطلعان محلی، اصل وی را از گله‌دار فارس و از نوادگان حضرت امام موسی کاظم (ع) می‌دانند که به همراه خانواده به شنبه دشتی مهاجرت می‌کند و بعد از فوت، در همین جایی که اکنون بقعه اوست مدفون می‌گردد. برخی از بزرگان و علمای منطقه از جمله مرحوم حاج سیدعلی قمی از وی به نیکویی یاد کرده و احترامش را لازم دانسته‌اند» (هادی نژاد دشتی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۳۱-۳۳)؛ همچنین در

همین محدوده جغرافیایی، امامزاده‌ای به نام شاه‌زندو نیز در روستای چاه‌حسین جمال بخش کاکلی بوشهر وجود دارد که با توجه به دیگر امامزادگان (شاهزاده محمد، شاهزاده ابراهیم، شاهزاده اسماعیل و...) در همان منطقه احتمالاً از خاندان شاه‌زندوی بیرمی است و می‌توان نتیجه گرفت لقب شاه‌زندو علاوه بر سید عقیف‌الدین به خاندان آن حضرت نیز تعلق داشته است. همچنان که همین امروز نیز نام خانوادگی «شاه‌زندوانی» و قوم معروف به شاه‌عباد (برگرفته از عابدشاه یا شاه‌زین‌العباد) در میان سادات بیرم و البته نام خانوادگی «زندوی» که طیف وسیعی از سادات بیرم را شامل می‌شوند و همگان منتسب به امامزاده شاه‌زندو هستند وجود دارند.

محلّی نیز به نام شاه‌زندون یا به عبارتی چاه‌زندون بین درنگانه و دولت‌آباد در شهرستان داراب وجود دارد که تا حاجی‌آباد چهل کیلومتر فاصله دارد. اهالی آنجا می‌گویند قدمگاه یکی از نوادگان حضرت امام موسی کاظم (ع) است که پس از مدتی از آنجا به بیرم لارستان مهاجرت می‌کند و در بیرم نیز از دنیا می‌رود.

دربارۀ اولاد، خاندان و بستگان شاه‌زندو نیز مطالبی متفرقه در برخی آثار آمده است که افزون بر شناخت وابستگان امامزاده شاه‌زندو، از وجه تاریخی و کشف سیر حوادث نیز دارای اهمیت بسیاری‌اند. دکتر محمدباقر وثوقی پژوهشگر و تاریخ‌دان لارستانی می‌نویسد: «در سال ۱۳۶۸ خورشیدی به دنبال مطالعاتی که در نواحی پس‌کرانه‌ای سیراف و لارستان قدیم به انجام می‌رساندم، توجه خود را به یافتن موقعیت اصلی شهر کران معطوف داشتم. در این راستا به نسخه خطی تذکره‌ای با نام تذکرۀ شاه‌زندو دست یافتم که شرح حال دگرگون‌شده‌ای است از لشکرکشی‌های سیدعقیف‌الدین شاه‌زندو در قرن چهارم و پنجم قمری به نواحی پس‌کرانه‌ای سیراف و در محدوده‌ای است که در متون جغرافیایی قدیم، ایراهستان نامیده می‌شود. بخشی از آن شرح لشکرکشی یکی از سرداران عرب به نام امیر خوشنام بن شاه‌زندو به ناحیه کران است که در آن آمده است امیر خوشنام بن شاه‌زندو عزیمت به سمت قریۀ فال نمود. این قریۀ فال حالیه از بناهای آن جناب است و قریۀ سابق به آن کران موسوم به کاف فارسی. با توجه به این مطلب، تحقیقات میدانی خود را در منطقه آغاز نموده و به شواهد قطعی دیگری دست یافتم که از آن جمله، قرائت سنگ‌نبشته‌های مقابر دورۀ اسلامی شهر کران است. گفتنی است که گورستان دورۀ اسلامی کران هم‌اکنون در مزرعه‌ای آباد بین شهر گله‌دار کنونی و روستای اسیر واقع شده است. از میان انبوه سنگ‌نبشته‌های پراکنده در این مزرعۀ وسیع، دو لوح متعلق به قرن نهم به دست آمد. نام‌های حجاری شده بر هر دو کتیبه دارای پسوند کارانی است که اولین آن مقصود بن محمد

کارانی و دیگری محمد بن قطب‌الدین کارانی است. اهالی بومی این ناحیه، نام کران یا کاران را در حافظه تاریخی خود حفظ کرده‌اند. اگرچه از مکان و موقعیت اصلی آن هیچ اطلاعی ندارند، در اشعار تعزیه‌خوانی ایام محرم از کران و فال و سیراف به عنوان شهرهایی یاد می‌کنند که مردمش در قیام عاشورا به یاری امام حسین (ع) شتافته‌اند. این اشعار تنها خاطره مردم این ناحیه از شهر قدیم کران است که شواهد امر نشان می‌دهد از دوره اشکانیان تا دوره اسلامی از شمال به جنوب و در گستره دشت گله‌دار گسترش یافته است. در تحقیقات میدانی مشخص شد که آثار و بقایای موجود از آن شهر که در دشتی وسیع و در میان مزارع سرسبز پراکنده شده است، به تدریج و در طول تاریخ از شمال به جنوب امتداد یافته است و قبرستان اسلامی آخرین نقطه پیشرفت شهر کران به طرف جنوب بوده است» (وثوقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶۳).

«از اسامی اولاد سید عقیف‌الدین شاه‌زندو می‌توان از سید مرتضی محی‌الدین جبرئیل والا میرمجتبی مدفون در بیرم، (سید طبیب‌الدین) خوشنام بن زندو مدفون در قریه فال، محب‌الدین فیروز بن زندو مدفون در بیرم، جلال‌الدین بن زندو مدفون در بیرم، محمود بن زندو مدفون در مز، عبدالله بن زندو مدفون در بوچیر، ابی‌الحرب فضل بن زندو مدفون در بوچیر، ضرغام مغیره بن زندو مدفون در بهده، حسن و ابراهیم و محمد ابناء زندو مدفون در قریه سمل و سمنه و برکان نام برد و از دختران شاه‌زندو خدیجه همسر شیخ حسن انصاری که مدفن او در سوداوه‌گرد (اشکنان) است و فاطمه صغری همسر ابی‌عمران و دیگر فاطمه کبری همسر احمد زیبر مدفون در شهرستان مهر، اسماء و دیگر علیه که در قریه کهنه مدفون است و آمنه که مدفون در قریه انجیره است. در منطقه محدوده تذکره، اکنون بسیاری از مقابر متبرکه با اسامی مذکور موجود است» (وثوقی و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۳). همچنین در بخش عربی تذکره نیز افرادی از این خاندان معرفی شده است (همان: ۷۸).

مطلبی هم درباره دو امامزاده شاه فرج‌الله و شاه حبیب‌الله در دانشنامه آثار تاریخی فارس آمده است: «این دو امامزاده در فاصله ۷۲ کیلومتری داراب و در شهر حاجی آباد قرار دارند. ساختمان قدیم این دو امامزاده که دارای گنبدی سبزرنگ بود، در سال ۱۳۵۵ خورشیدی فرو ریخت. در سال‌های بعد، ساختمان جدیدی برای آنان احداث شد. این دو را براساس شجره‌نامه‌ای که در بیرم لارستان وجود دارد، از نوادگان امام موسی کاظم (ع) می‌دانند. سنگ قبرشان با آیت‌الکرسی تزیین شده است و تاریخ وفاتی که بر آن حک شده سال ۶۲۰ و ۶۳۰ قمری است که به خط کوفی نوشته شده است» (کمالی سروستانی، ۱۳۸۴: ۶۳).

سید جبرئیل در تاریخ مفصل لارستان چنین معرفی شده است: «سید جبرئیل فرزند عقیف‌الدین بن هشام، در اواخر قرن سوم هجری به دنیا آمد. او دارای پنج برادر بود که نام و مدفن هر کدام به قرار ذیل است: شاه جلال‌الدین (بیرم)، شاه ابوالفتح (بیرم)، شاه ابوالحسن (بیرم)، شاه فرج‌الله (علامرودشت)، شاه حبیب‌الله (حیدرآباد جهرم)؛ مطلب فوق از اظهارات شفاهی مرحوم سید حمزه نبوی‌زاده (از معتمدین محلی و متولی پیشین امامزاده شاه‌زنده و امامزاده میرابوالبه) نقل شده است. سید جبرئیل معروف به شاه جبرئیل در نیمه دوم قرن چهارم هجری به رحمت الهی پیوست و در شرفویه جویم مدفون گردید. در ماه ذی‌حجه سال ۶۷۲ به دستور صدرالمعظم صاحب‌المعالی مهدالدوله والدین محمودشاه ابن قلی‌الصارم بنایی باشکوه بر فراز مرقد سید جبرئیل احداث گردید. گنبد بنا مزین به کاشی‌های رنگارنگ سبز، فیروزه‌ای و [آبی] آسمانی است که از زیبایی و درخشندگی خاصی برخوردار است. بدون تردید این گنبد یکی از زیباترین گنبد‌های موجود در بخش جویم قلمداد می‌گردد. تنها سنگ‌نوشته موجود، کتیبه محمودشاه مربوط به نیمه دوم قرن هفتم هجری است. در این کتیبه آمده است: "امریدالبنا الصدر المعظم صاحب‌المعالی مهدالدوله والدین محمودشاه ابن قالی‌الصارم دام‌علوه فی‌التاریخ عشره ماه ذی‌الحجه سنه اثنی و سبعین و سته مائه" نسب‌نامه شاه جبرئیل: نسب ایشان با سه واسطه به امام موسی کاظم (ع) می‌رسد: سید جبرئیل بن عقیف‌الدین زندویه بن هشام بن ابراهیم بن امام موسی کاظم (ع)» (وثوقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۰۱ - ۱۵۰۲).

با توجه به مطالب پیشین و بررسی شجره‌نامه سید عقیف‌الدین شاه‌زنده، مشخص می‌شود که شجره‌نامه فوق با حذف اسامی فرعی همراه است و البته در آن تفاوت‌هایی با شجره‌نامه موجود در تذکره شاه‌زنده دیده می‌شود؛ اما هدف این بوده که نشان داده شود شاه جبرئیل به امام موسی کاظم (ع) متصل است. همچنین در معرفی شخصیتی گمنام به نام کاکامحمد داوود لاری نوشته شده است: «کاکامحمد داوود لاری از مریدان محمد ابونجم بوده، راجع به زندگانی و احوال او اطلاعی به دست نیامد. در تذکره شاه‌زنده از [فوت] خواجه محمد بن داوود لاری حاکم بیرم در سال ۸۲۶ قمری نام برده شده که احتمالاً منسوب به همین فرد باشد. مقبره وی در بیرم است» (وثوقی، ۱۳۷۴: ۱۳۵).

در کتاب امامزادگان فارس هم در فصل هفدهم درباره امامزادگان منطقه بیرم بر اساس تذکره شاه‌زنده و کتاب تاریخ مفصل لارستان مطالبی نوشته شده که رونوشت مطالب موجود در کتاب‌های پیش‌گفته است. در این کتاب درباره نوادگان حضرت شاه‌زنده نیز مطالب و

شجره‌نامه‌هایی آورده شده است: «بقعه امامزاده شاه فرج‌الله در کوه‌های بالای روستای کهنویه در پنج‌کیلومتری مرکز علامرودشت قرار دارد. امامزاده شاه‌فرج‌الله از نوادگان امام هفتم و از فرزندان ید عقیف‌الدین شاه‌زندو بیرم است» (حیدری و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۴۶). شجره‌نامه‌های امامزاده شاه‌زندو (ص ۳۴۳)، شجره‌نامه شاه جبرئیل (ص ۳۴۵)، شجره‌نامه شاه ابوالفتح و شاه فیروز (ص ۳۴۷) و شجره‌نامه میرابوالبه (ص ۳۵۴) نیز در این کتاب آورده شده است.

«آرامگاه یا بقعه شاه اسماعیل در شمال شرقی شهر کاکلی از توابع شهرستان دشتی در استان بوشهر قرار گرفته و فاصله‌اش تا خورموج مرکز دشتی چهل کیلومتر است. نسبش طبق تذکره قدیمی موجود در دست‌اعقاب و احفادش چنین است: "شاه اسماعیل ابن شاه حسن ابن شاه زکی ابن شاه محمد حسن ابن شاه عبدالله ابن شاه خضر ابن شاه امیرالدین ابن شاه اسحاق ابن شاه ابوالعلاء ابن شاه احمد ابن شاه حسین ابن شاه ابوالفوارس ابن شاه محمد ابن شاه یحیی ابن شاه فخرالدین ابن شاه رضی‌الدین ابن زید ابن حسین ابن احمد ابن ابی جعفر محمد ابن ابی محمد عیسی ابن ابالحسن ابن یحیی ابن حسین ذی‌الدعنه ابن ابوالحسن زید ابن علی ابن حسین ابن علی بن ابی طالب (ع)" گویند پدرش شاه حسن دارای فضایل فراوان و قریب به صد سال عمر نمود. وی دارای پسران متعددی بوده که معروف‌ترین آنان شاه اسماعیل، شاه ابراهیم و شاه موسی بوده است. مدفن شاه ابراهیم و یکی از خواهرانش کنار قبر شاه اسماعیل است. اما قبر شاه موسی دقیقاً معلوم نیست. در روستای مسیله غربی کاکلی قبری به این نام وجود دارد. بعد از قدرت‌گیری مجدد عناصر زرتشتی در جنوب ایران و روشن‌شدن دوباره آتشکده‌های آنان، سپاهی از اعراب مسلمان به فرماندهی سید عقیف‌الدین معروف به شاه‌زندو از طریق سواحل عمان وارد بندر کنگ و جنوب فارس شد. نیروهای مسلمان بعد از فتح بیرم آن را قرارگاه خود قرار دادند. پس از آن اعراب مسلمان حداکثر توان خود را در گسترش شعایر اسلامی در نواحی جنوبی فارس به کار گرفته و تا قسمت‌های شمالی بوشهر پیش آمدند. با توجه به آنچه بیان شد و شواهد و مدارکی چند از جمله وجود کُتار و قدمگاهی بنام "شاه‌زندو" در مشرق بقعه شاه اسماعیل و نیز نوشته‌شدن نسب‌نامه سادات حسینی دشتی که نسبتشان به شاه اسماعیل منتهی می‌شود در منطقه لارستان و ظاهراً بیرم، می‌توان احتمال داد که شاه اسماعیل از همراهان سپاه شاه‌زندو بوده و در قرن پنجم برای ترویج آیین اسلام به منطقه کاکلی آمده است. طبق نقل شفاهی، شاه اسماعیل بعد از انجام مأموریت و در اواخر عمر، محل سکونت خود را کنار قلعه‌ای قدیمی معروف به بهمن‌دان قرار داد. و در خانه‌ای گلی و ساده به عبادت و راز و نیاز مشغول بود تا درگذشت و بعد از فوت نیز در همان خانه دفن شد. بنا به نقل مطلعین و معمرین محلی، یک قرن و اندی پیش، بلای قحط‌سالی همراه با بیماری‌های مسری، کاکلی و حومه را فراگرفته

و افراد زیادی تلف می‌گردند. مرحوم غلامحسین فرزند عوض، خادم وقت شاه اسماعیل برای نجات جان خود و دیگران به شاه اسماعیل متوسل می‌شود. در عالم خواب، شاه اسماعیل به وی می‌فرماید در جانب غربی قبرم سنگی زیر زمین مخفی است؛ إن شاء الله رفع مشکل می‌کند. بعد از خواب، وی به آن محل رفته و سنگ را بیرون آورده و به منزل برمی‌گردد. از فردای آن روز وی در محلی از سنگ که اثر جای پای بوده آب ریخته و به مردم می‌داده و به برکت این سنگ، افراد زیادی از مرگ نجات پیدا می‌کنند. مومی‌الیه [نامبرده] بعد از چندی با استفاده از درآمدهای حاصله از این سنگ، اتاقی هم بر روی مقبره شاه اسماعیل بنا می‌کند. این سنگ در سال ۱۳۸۳ شمسی به سرقت رفت، اما در سال ۱۳۸۵ توسط خود سارقان به صورت مخفیانه بازگردانده شد! در اطراف بقعه شاه اسماعیل چند مکان است که شاید بیان‌ش خالی از فایده نباشد. اولین آنها قدمگاه شاه اسماعیل است که در حدود صدمتری شرق آن واقع شده و اکنون درون اراضی کشاورزی است و دوم قدمگاه و درخت گُناَر شاه‌زنده است که باز در شرق بقعه و در فاصله حدود یک کیلومتری آن قرار دارد. این درخت گُناَر و قدمگاه چون دال بر حضور شاه‌زنده و نیروهایش در منطقه کاکلی است، باید توسط مسئولین حفظ شود تا سرانجامی چون دیگر اماکن تاریخی و سیاحتی کاکلی پیدا نکنند [...]» (هادی نژاد دشتی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۴-۲۹).

۱۸۵

آینه پژوهش | ۲۱۳

سال ۳۶ | شماره ۳

مرداد و شهریور ۱۴۰۴

«امامزاده سیدابراهیم ملقب به عقیف‌الدین است. مدفن این امامزاده در سرداب مسجد جامع بردستان قرار دارد. روستای بردستان در سه کیلومتری بندر دَیِر [استان بوشهر] واقع شده است. نسب سیدابراهیم کراماتی با دو واسطه به امیر جمال‌الدین فرج می‌رسد. امیر جمال‌الدین از سبزواری [...] به این منطقه آمده و با تلاش‌های فراوان خود و یارانش، اکثر سکنه را به سوی خاندان عصمت و طهارت هدایت نموده است. مادر سیدابراهیم زنی صالحه به نام بی‌بی‌زینب بنت شیخ‌الاجل حسن بن عبدالله انصاری، مدفون در کتابخانه بردستان است. مادر بی‌بی‌زینب نیز زنی جلیل‌القدر به نام خدیجه‌الکبری (بنت حسین بن ابراهیم) یعنی خواهر امامزاده سیدعقیف‌الدین شاه‌زندوست که در بیرم لارستان است.» (هادی نژاد دشتی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۳۲-۳۳).

ارزیابی نهایی و نتیجه

امامزاده سیدعلی‌اکبر معروف به سیدعقیف‌الدین ملقب به شاه‌زنده در اول قرن پنجم قمری یعنی سال ۴۰۲ قمری به بخش بیرم لارستان فارس وارد شد. حاصل سی سال سکونت در این منطقه، مسلمان شدن مناطق مختلف لارستان و جنوب فارس تا بخش‌هایی از هرمزگان و بوشهر

بوده است. او در سال ۴۳۲ قمری طبق سنگ قبر کهنه و کهن و تذکره‌ای که از همانام با این امامزاده یعنی سید علی اکبر متخلص به صابر بیرمی، کلانتر بیرم در دوره قاجار به دست آمده، وفات یافت. مقبره و گنبد و بارگاه وی در مرکز شهر بیرم است. تذکره موجود بر اساس یک تذکره اصلی دیرین و دیوان اشعار شاه زین‌العباد بیرمی نوشته شده است. شاه زین‌العباد یا عابدشاه طبق تذکره و دیوان موجود که شرح جنگ‌های شاه‌زندوست، از نوادگان شاه‌زندو و شاعر قرن هشتم و نهم بوده است. از میان آثار باقی‌مانده از شاه‌زندو، قرآن خطی متعلق به وی که گفته شده به خط حضرت امیرالمؤمنین (ع) بوده، در اواخر دهه هفتاد خورشیدی در بیرم مفقود گردیده است. بیشتر امامزادگان موجود در منطقه لارستان و جنوب فارس و بخش‌های جنوبی بوشهر و بخش‌های غربی هرمزگان، از اولاد، نوادگان و بستگان حضرت شاه‌زندو هستند. امامزاده شاه‌زندو (ع) در میان امامزادگان فارس، بعد از حضرت شاهچراغ (ع) از اعتبار و شهرت بسیاری برخوردار است و این مسئله، لزوم توجه بیشتر به این امامزاده را در زمینه‌های مختلف رفاهی، زیارتی و گردشگری و البته نگاه ویژه به مقوله علمی - فرهنگی و شناساندن وی در جغرافیای تشیع تأکید می‌بخشد.

کتاب‌نامه

- «آرامگاه امامزاده شاه‌زند یا شاه‌زندانی»؛ روزنامه وظیفه، ش ۲۱۴ دوره جدید، مسلسل ۷۶۴، ۱۳۴۷/۲/۱، ص ۱ و ۴.
- «شاه‌زندو به عنوان یک قطب گردشگری در لارستان مطرح است»؛ پایگاه مجازی تابناک، ۱۴۰۰/۰۱/۳۰؛ در: <https://www.tabnakkordestan.ir/fa/news/957342>.
- اقتداری، احمد؛ لارستان کهن؛ نشر مؤلف، چاپخانه رنگین، ۱۳۳۴.
- بغدادی، اسماعیل؛ ایضاح المکنون فی الذیل علی الکشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۳۸.
- پشت‌دار، علی محمد، سکینه پیرک، پدرام میرزایی و علیرضا معین‌زاده؛ «بررسی نسخه خطی روح‌الله»؛ فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)، س ۶، ش ۳، پیاپی ۲۱، پاییز ۱۳۹۲، ص ۹۵ - ۱۰۵.
- پیرک، سکینه؛ «بررسی ویژگی‌های سبکی نسخه خطی دیوان عابد»؛ فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نشر فارسی (بهار ادب)، س ۱۰، ش ۱، بهار ۱۳۹۶، ص ۳۷ - ۵۶.
- پیرک، سکینه؛ تصحیح انتقادی نسخه خطی روح‌الله - دیوان زین‌العباد بیرمی؛ اردبیل: جهاد دانشگاهی، ۱۳۹۷.
- تهرانی، آقابزرگ؛ مصنفات شیعه؛ به اهتمام محمد آصف فکرت؛ مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳.
- حسینی فسایی، حاج میرزا حسن؛ فارسنامه ناصری؛ تصحیح منصور رستگار فسایی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- حیدری، سید اسحاق؛ ستارگان پرفروغ آسمان ولایت (شجره طیبه امامزادگان استان فارس)؛ با همکاری سید حبیب‌الله موسوی؛ قم: نشر حبیب (و اداره کل اوقاف و امور خیریه استان فارس)، ۱۳۸۷.
- خادم، حسین و اصغر کریمی؛ بیرم در گستره تاریخ؛ نشر مؤلف، ۱۳۸۶.
- خادم، حسین، اصغر کریمی و سید حسن زندوی؛ تذکره حضرت سید عقیف‌الدین شاه‌زندو (ع)؛ تهران: پیروز، ۱۳۹۰.
- خیام‌پور، عبدالرسول؛ فرهنگ سخنوران؛ تهران: طلایه، ۱۳۷۲.
- داور شیرازی، ابن میرزا محمدنبی؛ نسخه خطی تذکره مرآت الفصاحه؛ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۹۱۱۳.
- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رضاقلی‌خان (هدایت)، محمد هادی؛ تذکره ریاض العارفین؛ به کوشش مهرعلی گرگانی؛ تهران: کتابفروشی محمودی، ۱۳۴۴.
- رضاقلی‌خان (هدایت)، محمد هادی؛ مجمع الفصحا؛ به کوشش مظاهر مصفا؛ ج ۲، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲.
- رکن‌زاده (آدمیت)، محمد حسین؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس؛ تهران: کتاب‌فروشی‌های اسلامی و خیام، ۱۳۳۹.

- زرین کوب، عبدالحسین؛ تاریخ در ترازو؛ چ ۴، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- الطهرانی، آقابزرگ؛ الذریعه الی تصانیف الشیعه؛ ج ۹، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- کمالی سروستانی، کوروش؛ دانشنامه آثار تاریخی فارس؛ شیراز: دانشنامه فارس با همکاری سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، ۱۳۸۴.
- محمدی نجات، محمدرضا، «مزارموزه شاه زنده اینجاست»؛ روزنامه جام جم، گروه فرهنگ و هنر، ش ۶۶۲۴، ۱۴۰۲/۰۸/۱۴، ص ۸.
- مورخ لاری، سیدعلاءالدین؛ تاریخ لارستان؛ تصحیح و تحشیه از محمدباقر وثوقی؛ شیراز: راهگشا، ۱۳۷۱.
- نایب الصدر، معصوم علی شاه (محمد معصوم بن زین العابدین شیرازی)؛ طرایق الحقایق؛ به تصحیح محمدجعفر محجوب؛ چ ۲، تهران: سنایی، ۱۳۸۳.
- هادی نژاد دشتی، غلامحسین؛ زیارتگاه‌های استان بوشهر؛ قم: وثوق، ۱۳۸۸.
- وثوقی، محمدباقر، محمدحسین سلیمانی و سیدحسن زندوی؛ سفینه روح‌الله؛ تهران: نگارستان اندیشه، ۱۳۹۷.
- وثوقی، محمدباقر، منوچهر عابدی‌راد، کرامت‌الله تقوی و صادق رحمانی؛ تاریخ مفصل لارستان، چ ۲، تهران: همسایه، ۱۳۸۷.
- وثوقی، محمدباقر؛ «چند نکته تاریخی درباره لارستان»؛ مجله آینده، س ۱۹، شماره (سری) ۷ - ۱۲، ۱۳۷۲، ص ۱۰۸۸.
- وثوقی، محمدباقر؛ بیرم دارالاولیای لارستان؛ قم: همسایه، ۱۳۷۵.
- وثوقی، محمدباقر؛ خنج: گذرگاه باستانی لارستان؛ قم: خرم، ۱۳۷۴.
- وثوقی، محمدباقر؛ لارستان؛ تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۱.